

سال دوم

جریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۱۱

شماره: ۵۷

پیاپی ۳ و پال

باید در جریان مبارزات توده‌ها،
در هر شکل و سطحی که باشد،
قرار داشت و آنرا ارتقاء داد!

گرامی به یاد اول ماه مه روز جهانی

کارگران

سرمقاله

درباره جنبش اول ماه مه

جنبش اول ماه مه نقطه اوجی در مبارزه طبقة کارگران آمریکا محسوب می‌شود. در آمریکا، صاحبان سرمایه با استفاده از ترکیب مافی جمعیت زحمتکشان، شرایط تاریخی و طبقاتی شکل گیری جامعه آمریکا، و بالاخره با استفاده از وسائل و طرق گوناگون کارگران را بسج و حضا نه‌ای به کار وامیداشتند. شرایط بسیار بد کار، دستمزد نابرابر، در قبال کار مساوی برای زنان، استفاده از کار کودکان در قبال دستمزد بسیار پائین، ملحوظ داشتن رنگ پوست و مسائل نژادی در پرداخت مزد، پائین بودن سطح دستمزدها، تقلیل مکرر آن از سوی سرمایه‌داران، بستن جریحه‌های سکن به بیانه‌های مختلف سردست‌ساز ناچیز کارگران، و بالاخره طولانی بودن کسار روزانه، خشم و کینه طبقة کارگر را برانگیخته بود.

اما سرمایه‌داران تنها با این‌دست بندیده نکردند، تحریکات ضد انقلابی مورژوازی در سطح جهان نشان می‌داد که کارگران در جریان مبارزه طبقاتی و کسب تحریک و آگاهی مبارزاتی مبارزه بقیه در صفحه (۲)

جلاد خون می‌ریزد
خلق بی‌امیه می‌خیزد

حمده ددمنشان رژیم به شهرهای مازندران
در صفحه ۲۴

کارگران شرکت فسان از دو سال تجربه
مبارزاتی خود سخن می‌گویند

شرکت (آنتروپور) سابق (فسان فعلی)
شرکت ساختن است که کار ساخت و نصب
اسکلت‌های فلزی، بنادر و لوله کشی را انجام
میدهد.
بقیه در صفحه ۷

حمله پاسداران به

کتابخانه عمومی مارتیک

در صفحه ۲۵

گزارشی از مبارزان انقلابی

در صفحه ۱۶

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها!

درباره جنبش اول ماه مه - نفع از منفعه (۱)

خود را بر علیه بورژوازی با قدرت بیشتری به پیش خواهد برد و او را محصور به عقب نشینی از مواضع قبلی خود خواهد نمود. به همین سبب سرمایه داران در آمریکا، شرایط بدکار را با اتحاد شرایط برای مبارزه طبقاتی مستقل طبقه کارگر تکمیل نمودند.

سرمایه داران در آمریکا، برای جیباول هرچه بیشتر و حفظ و حراست نظم جهانی سرمایه، با حمایت دولت و وضع قوانین ضد کارگری کوشش میکردند تا زمینه را برای مبارزه آشکار طبقه کارگر هرچه بیشتر محدود کنند. آنها علاوه بر وضع قوانین مذکور، در کارخانه ها دسته های جماعی و شلوار بند استخدام میکردند. این دسته های اوباش بدقت اوضاع و احوال کارگران را زیر نظر داشتند، کارگران حق درددل کردن با یکدیگر را نداشتند. هر صدای اعتراضی با حاق و شلاق خفه میشد، و با منجر به اخراج و حتی قتل فرد معترض میشد. و ویژه کارگران آگاه و مبارز هدف اصلی اذیت و آزار این اوباشان قرار می گرفتند. با اینکه قانون اساسی آمریکا، آزادیهای دموکراتیک را برسمیت شناخته بود، ولی در عمل کارگران از حق تشکیل سندیکاها و اتحادیه های واقعی خود محروم بودند. و هرگونه کوششی در این زمینه با سرکوب شدید مواجه میشد، چرا که سرمایه داران از اتحاد و تشکل و بسط تجربه و آگاهی مبارزاتی کارگران میترسیدند و میخواستند بهر نحو ممکن مانع این امر گردند.

اما هرگاه که ظلم و ستم و ستمداری هست، مبارزه نیز وجود دارد. شرایط سخت زندگی کارگران آسیا را به مبارزه و امید داشت، و کارگران آمریکا علیرغم همه این محدودیتها و موانعی که بر سر راهشان بود، علیرغم همه آن عواقب رنج آوری که مبارزه بر علیه سرمایه داران برای آنها داشت، برای کسب حقوق خود به مبارزه ای سخت علیه سرمایه داران برخاستند.

کارگران آمریکا از اواخر قرن هجدهم به مبارزه خود نیرو بخشیدند، و از اوایل قرن نوزدهم آنها با قدرت بیشتری به پیش رانندند. جنبش کارگران آمریکا برای کم کردن ساعات کار روزانه تقریباً از اوایل قرن نوزدهم آغاز شد. در آلمان جنبش کم کردن ساعات کار روزانه در همه جای دنیای بورژوازی جریان داشت. اما در آمریکا وضع کمی فرق میکرد. ساعات کار روزانه تا به حدی که فایده ای نبود. سرمایه داران کارگران را تا ۱۵-۱۶ و حتی ۱۸ ساعت به کار میکشیدند، بقول خود کارگران کار را "بام تا شام" ادامه داشت. در چنین شرایطی بود که کارگران با عزمی راسخ جنبش کم کردن ساعات کار را روزانه را پیش بردند. تجربیات گوناگون و مستقیم کارگران آمریکا در این مبارزه کارگران پیشرو را باین نتیجه رسانده بود که تنها در سایه اتحاد و تشکل سراسری و بزرگ میتوانند در مقابل سرمایه داران بمقابله برخیزند، و خواسته های خود را منطبق سازند. پس عناصر آگاه تر کارگران دست به دست هم داده و شروع با ایجاد زمینه های لازم برای تاسیس یک اتحادیه سراسری کردند. "اتحادیه سراسری کارگران" محصول این کوشش بود، و همین اتحادیه بود که جنبش اول ماه مه را رهبری کرد. این اتحادیه در یکی از قطعه نامه های خود که در سال ۱۸۶۶ تصویب رسید، مبارزه برای کم کردن ساعات کار روزانه را در سلسله مبارزه خود قرار داد. در قطعه نامه چنین آمده بود:

"نخستین و بزرگترین ضرورت زمان حاضر برای رهایی کارگران این کشور از قید "سردگی

سرمایه داری" تصویب قانون ۸ ساعت کار روزانه در تمام ایالت های آمریکا میباشد، ما

همگی مصمم هستیم که تمام نیروی خود را تار و پودن به این خواست شکوهمند بکار گیریم"

و پس از بیست (۲۰) سال یعنی در سال ۱۸۸۶ کارگران آمریکا بدنبال مبارزات حزبی و پراکنده خود، جنبش اول ماه مه را بوجود آوردند که خاطره آن تاکنون در خاطر کارگران سراسر جهان باقی مانده است. جنبش اول ماه مه، اگرچه حاصل و ثمره تلاش طولانی کارگران است، اما حوادثی که مستقیماً منجر به پیدایش آن شد از ۱۸۸۴ آغاز گشت. در سال ۱۸۸۴ رهبران اتحادیه های کارگری تصمیم گرفتند زمینه را برای یک جنبش سراسری کارگری در آمریکا آماده سازند، آنها قرار گذاشتند تا در ماه ۱۸۸۶ یک دموکراتیک سراسری تشکیل دهند، و خواسته های خود را مطرح سازند، و از مقامات مسئول بخواهند تا این خواسته ها را برآورد سازند. بعد از قریب دو سال کار در میان کارگران، و جلب حمایت اکثریت محافظان و انجمن ها و جمعیت های کارگری برانجام در اول ماه مه، جنبش تظاهراتی با شکوه فراوان برگزار شد. قریب ۴۰۰۰۰۰ نفر در آمریکا در این تظاهرات شرکت کردند. سرمایه داران بوحشت افتادند. روزنامه های طرفدار آنها با تمام انرژی بر علیه "کمونیسم" و "سرخپا" به تبلیغ پرداختند، و تهدید کردند که

جسد یک یک " سرخیا " را بر تیرهای برق خیابانهای شیکاگو آویزان خواهند کرد. اما کارگران تظاهرات خود را برپا کردند، پلیس به کارگران حمله ور شد و سه سوزی آنان تیراندازی نمود، عده ای کشته و عده ای زخمی شدند. کارگران بادهستهای خالی به دفاع پرداختند، و به رفقای زخمی خود کمک میکردند تا از میلکه جان سالم بدربرند، زنان و کودکان را از میدان حادثه بیرون میبردند. و خلاصه روح تعاون و همکاری خود را بنیابت نشان دادند. شب هنگام پلیس به خانه کارگران آگاه و رهبران اتحادیه ها، و عناصر فعال اداره کننده میتینگ حمله کرد، وعده زیادی را دستگیر نمود، حکومت شبه نظامی در شهر شیکاگو برقرار شد. پلیس بکمک اراذل و اوباش، جماعت داران و شلول بندهای سرمایه داران تمام شهر را تحت کنترل گرفت. تمام شهر بصورت نیمه تعطیل درآمد. کارگران که عزم به مبارزه کرده بودند، برای اعتراض به کشتار و دستگیری رفقای خود دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در مقایسه با تظاهرات اول ماه مه گسترده تر بود. و تقریباً دو برابر شرکت کنندگان در تظاهرات در این اعتصاب شرکت جستند، در پی این رخدادها، برخی از رهبران اتحادیه در دادگاه شهر شیکاگو به محاکمه کشیده شدند و دادگاه شهر شیکاگو که آلت دست سرمایه داران بود، حتی برخی از عناصر آنرا سرمایه داران شهر تشکیل می دادند، چندان از رهبران کارگران را به مرگ محکوم نمود، وعده زیادی را هم زندانی نمود. آنها به خیال خود میخواستند تا بدینوسیله درس عبرتی به کارگران بدهند. رهبران کارگران با سری افزاشته به پای دار رفتند و سرود خوانان به استقبال مرگ شتافتند، و بدین ترتیب نمایی از غرور و عزت نفس کارگری را به نمایش گذاشتند.

کارگران به تلافی این اقدام وحشیانه سرمایه داران مدتها اعتصاب خود را ادامه دادند. کم کاری در کارخانه ها رواج یافت. خبرهای مربوط به جنبش اول ماه مه در تمام ایالات آمریکا، و سراسر جهان پیچید. در همه ایالت های آمریکا موج اعتراض نسبت به برخوردهای وحشیانه پلیس برخاست. وقایع ماه مه احساس همدردی بسیاری از کارگران سراسر جهان، از جمله آمریکا و عناصر و نیروهای دموکرات را برانگیخت.

کارگران شیکاگو به مبارزه و مقاومت خود ادامه دادند. در جریان این مبارزه پیگیر حقایق مربوط به توطئه های سرمایه داران و پلیس که برای درهم پاشیدن صفوف تظاهرات و کشتار کارگران انجام گرفته بود، کشف شد. کشف این حقایق به موج اعتراض گسترده تر بخشیده تا آنکه سرانجام ۸ ماه بعد از وقایع ماه مه، برای فرونشاندن تب و تاب کارگران و کنترل اوضاع، دادگاه تجدیدنظری تشکیل شد. این دادگاه صلاحیت دادگاه قبلی را رد کرد. و از زندانیان سیاسی " اعاده حیثیت " کرده و از آنها عذرخواهی نمود. اما مسئولین دادگاه قبلی را مورد مواخذه قرار نداد. اما بهر حال این حادثه به خاطره جنبش ماه مه برجستگی بیشتری بخشید، و در کارگران سراسر جهان احساس پیروزی بوجود آورد. اهداف جنبش اول ماه مه، که دوشماره هشت ساعت کار در روز، و حق ایجاد اتحادیه های واقعی کارگران از شمارهای برجسته آن بودند، بیک جنبش کارگران جهان تبدیل شد. کارگران اروپا و آمریکا همه با هم باین جنبش پیوسته و علق بیشتری بدان بخشیدند. و تحت تاءثیر همه این مبارزات، و مبارزات بعدی آن بود که بورژوازی به بهبود شرایط کارتن داد و توانست جدیدی در این مورد ستویب رسید. در حال کارگران از پای ننشستند جنبش اول ماه مه، آغاز و ستریک مبارزه سترگ برای آنها شد. کارگران آمریکا با هم سوگند خوردند که در دفاع از حق و حقوق خود سرسخت تر باشند و در مبارزه با سرمایه داری مصمم تر. آنها با احترام رفقای شهید خود، و برای زنده نگاه داشتن خاطره روز اول ماه مه، اینروز را بنام " روز یاد سود شهدای طبقه کارگر " نامگذاری کردند. و به یاد این روز از آن پس هر ساله تظاهرات و قدرت نمایی کرده و خواست " هشت ساعت کار " را تعقیب نمودند.

در سال ۱۸۸۹ نماینده کارگران در کنگره انترناسیونال دوم شرکت جست و پیشنهادی به شرح زیر ارائه داد:

" از طرف کنگره، روز اول ماه مه هر سال، بخاطر کشتار کارگران شیکاگو بنام " روز جهانی طبقه کارگر " اعلام گردد. و در این روز کارگران تمام دنیا، در هر کجا که هستند پیغام کشته شدگان، معدومان و زندانیان شیکاگو مجلس یادسوی تشکیل دهند و خواستهای کارگری خود را مطرح سازند. تمام کارگران در این روز میتوانند با تشکیل دادن میتینگ ها و دمنوسراسیون ها، اتحاد خود را محکم تر کنند و صفوف خود را گسترش دهند. برای پیشرفت های سال گذشته طبقه کارگر شادی کنند و جشن بگیرند و برای هدفهای آینده خود

برنامه ریزی کنند. خلاصه هر سال نمایی از اتحاد و قدرت کارگران سراسر جهان نشان داده شود. (۱) هم اکنون مادر آمریکا این روز را بنام "روز یادبود شهیدای قهرمان طبقه کارگر" نامگذاری کرده ایم و هر سال در مقیاسی وسیع تراز سال پیش این روز را گرامی می‌داریم. و در این روز کارگران آمریکا با هم سوگند می‌خورند که در دفاع از حق و حقوق خود سر سخت تر باشند و در مبارزه با سرمایه‌داری مصمم تر.

بیانیم این روز را بنام "روز طبقه کارگر" روز اعتراض به ظلم و ستم‌داری، روز نشان دادن حقانیت کارگری، روز پیشرفت مبارزه علیه سرمایه‌داری در سراسر جهان و روز همبستگی و برادری بین المللی زحمتکشان قرار دهیم. (۲)

این پیشنهاد به تصویب انترناسیونال دوم رسید. و در پی آن مورد استقبال کارگران قرار گرفت. کارگران اروپا و برخی نقاط دیگر با مبارزات پیگیر خود ستردیج این روز را بعنوان "روز جهانی طبقه کارگر" تثبیت نمودند. گرچه بورژوازی همه کشورها کوشیدند تا از تحقق این امر جلوگیری کنند، ولی کارگران این خواسته خود را نیز با مبارزات خویش بر بورژوازی تحمیل نمودند. یکسال بعد، یعنی در اول ماه مه ۱۸۹۰ کارگران آمریکا تظاهرات وسیعی برای "هشت ساعت کار در روز" برای انداختن کارگران آلمان اگرچه تحت فشار شدید بودند، اول ماه مه را جشن گرفتند. علیرغم تهدیدهای شدید بورژوازی، کارگران کشورهای اروپائی این روز را گرامی داشتند و بدین ترتیب همبستگی و برادری خود را با همزنجیران خود در دیگر نقاط جهان عملاً نشان دادند.

جنبش اول ماه مه، یکی از تجربیات مهم طبقه کارگراست، و بسیاری از جنبه‌های مبارزه طبقاتی کارگران را در خود ظاهر می‌ساخت. به‌تراست در همین جا به برخی از این جنبه‌ها اشاره کنیم:

"اول ماه مه" تجسمی از عزم و پیگیری کارگران در مبارزه علیه دشمن طبقاتی است. در شرح وقایع اول ماه مه دیدیم که کارگران آمریکا برای کوتاه‌تر کردن روز کار، چه مبارزه طولانی را از سر گذراندند، مبارزه برای کوتاه‌تر کردن کار روزانه از اواخر قرن هیجدهم آغاز شد. در اوایل قرن نوزدهم و سیمترو سازمان یافته‌تر شد و در دهه‌های آخر قرن نوزدهم با پیخ خود رسید. و در این مدت یعنی قریب ۸۰ سال مبارزه کارگران، فراز و نشیب‌های مبارزه، پیروزیهای کوچک، شکستهای بزرگ، سرکوب‌های شدید از جانب بورژوازی، جرمه‌های سنگین، اذیت و آزار جماعت‌داران و تشللول بندها، سیکاری، محدودیت‌های قانونی، زندانها، هیچیک نتوانستند عزم راسخ کارگران را در دفاع از حقوق خود سست نمایند. جنس نسل از کارگران در این مبارزه شکوهمند بر علیه بورژوازی مبارزه کردند. و هر نسلی درفش خون آلود مبارزه را بدست نسل دیگر داد. بارهای بارکوششهای کارگران با شکست مواجه شد. اما آنها هرگز تسلیم نگشتند. آنها دوباره قدامت کردند، و با نیروی افزونتر از پیش به مبارزه خود ادامه دادند. این مقاومت و پایداری، این صبر و شکیبائی مبارزاتی، از مهمترین جلوه‌های مبارزه طبقه کارگراست که تاریخ جنبش ماه مه بنحوی همه جانبه و بروشنی آنرا تصویر می‌کند.

ما دیدیم که در سال ۱۸۶۶ شورای مؤسسان اتحادیه سراسری کارگران قطعنامه زیر را تصویب نمود.

"نخستین و بزرگترین ضرورت زمان حاضر برای رهایی کارگران این کشور از قفس "بردگی

سرمایه‌داری" تصویب قانون هشت ساعت کار روزانه در تمام ایالت‌های آمریکا میباشد.

ما همگی مصمم هستیم که تمام نیروی خود را تار سیندن به این خواست شکوهمند به کار گیریم."

و مشاهده کردیم که بیست سال بعد، یعنی در سال ۱۸۸۶ جنبش اول ماه مه با همه قدرت خود باز هم نتوانست به این خواست حاکم عمل بپوشاند. معذالک کارگران از این همه ناکامیها مأیوس نشدند و سینه پیکار خود ادامه دادند. تا آنکه سرانجام توانستند نه تنها قانون هشت ساعت کار روزانه را تصویب کنند، بلکه شرایط عالیتری را در محیط کار بوجود آورند.

امروز، حتی در بسیاری از کشورهای تحت سلطه نیز قانون هشت ساعت کار روزانه حداقل بعنوان حق قانونی کارگران به حساب می‌آید. آنچه که اکنون برای نسل جدید طبقه کارگر یک حق بدیهی و مسلم بنظر میرسد، حاصل دهها سال مبارزه عظیم و پرشکوه و خونبار طبقه کارگر است.

وقایع تاریخی، از جمله وقایعی که منجر به جنبش اول ماه مه شد، و خود حوادث و نتایج جنبش

(۱) - تاء کید ازماست.

(۲) - نقل از "روز اول ماه مه روز کارگر چگونه پیداشت" جمع‌آوری و نوشته محمد عتیق پور

اول ماه مه نشان میدهند که مبارزه کارگران برعلیه سرمایه، مبارزه ایست سخت و طولانی، و زمانیکه کارگران عزم برانداختن نظام سرمایه داری را میکنند باید رنجهای فراوانی را تحمل نمایند. و در این راه هرکوشی اوجه با تکست مواجه شود، جد با بیروزی، زمسته ساز شرایط عالیتری برای بسط و گسترش مبارزه طبقاتی علیه سرمایه داری است و این فرصتی است که تاریخ با و بخشیده است. به همین جهت اول ماه مه، از جمله فرصتهای برجسته ایست که کارگران ما کارنامد مبارزه هم زمانه ایران خود را مرور کنند، و با آگاهی یافتن بر مشکلاتی که برای رسیدن به آزادی و رهایی خود باید تحمل کنند، روح خود را صیقل دهند، و با عزمی راسخ تر از پیش، در صحنه نبرد برعلیه نظام "ظلم و بیادادگری" قد علم کنند. کارگران باید این حقیقت را بخوبی دریابند که برای دستیابی به فداکاری روشن، باید از مصیری بگذرند، کسه خاک آن از خون سرخ فداکارترین، پر شورترین و آگاهترین رفقای او تلگون میشود.

کارگران شیکاگو همراه با کارگران دیگر نقاط جهان روز اول ماه مه را به نمایش از عزم و پیگیری پرولتاریا در مبارزه علیه سرمایه تبدیل نمودند. آنها به خاطر روز اول ماه مه سوگند خوردند که هر ساله در اول ماه مه بیاد شهدای قهرمان طبقه کارگر از حق و حقوق خود سرسخت تر دفاع خواهند کرد، و در مبارزه با سرمایه داری مصمم تر خواهند بود. آنها گفتند بیائید روز اول ماه مه بخاطر پیشرفت مبارزه دادن حقانیت کارگری تبدیل کنیم. آنها گفتند که بیائید در روز اول ماه مه بخاطر پیشرفت مبارزه علیه سرمایه داری جشن بگیریم. آنها بخاطر نشان دادن حقانیت کارگری، بخاطر احترام به شهدای قهرمان خود، سالها خاطر روز اول ماه مه را با اعتصابات وسیع، تظاهرات پرشکوه زنده نگذاشتند. و امروز پس از گذشت قریب به یک قرن "روز اول ماه مه" هنوز هم الهام بخش کارگران رزمجو برای مبارزه بر علیه سلطه جابرانه سرمایه است.

بنا بر این روز اول ماه مه، برای کارگران انقلابی و برای همه کارگرانی که تحت ستم سرمایه جهان می کنند، روز استراحت و تفریح نیست بلکه روزیست که باید خشم و عصیان طبقاتی و عزم و پیگیری مبارزاتی خود را بر علیه دشمنان طبقاتی خود در مقیاسی وسیع به نمایش بگذارند.

دیگر اینکه روز اول ماه مه، نشانی از ددمنشی سرمایه داران است. در شرح وقایع جنبش اول ماه مه دیدیم که سرمایه داران در آمریکا به چه نحو وحشیانه ای کارگران را مورد استثمار قرار میدادند. در حالیکه زمان کار روزانه تا ۱۵ - ۱۶ و حتی تا ۱۸ ساعت طول میکشید، دستمزدها چیزی به کارگران می پرداختند. با انواع حیل کوشش میکردند تا همین دستمزد ناچیز را تقلیل دهند، با تقسیم بندیهای من - درآوردی، از قبیل مسائل نژادی، اصل و نسب، غیره و غیره کارگران را تحت فشار هر چه بیشتر قرار میدادند. زنان با کار مساوی، بدلیل زن بودن از دستمزد کمتری نسبت به مردان برخوردار بودند. کودکان خردسال را وحشیانه بکار و امیاداشتند. با وضع جریمه های سنگین جان کارگران را بلبل رسانده بودند. و در همین شرایط زندگی که از شرایط زندگی یک حیوان نکست بار تر است، هر مدای اعتراضی را با کمک چماق داران، شلول بندها، و دستگاههای دولتی خفه میکردند.

دیدیم که سرمایه داران در اول ماه مه، و بعد در ۴ ماه مه، با شوطه و دسیسه به تظاهرات کارگران حمله نمودند، آنها را اکشتار کردند، برخی از رهبران آنها را دستگیر نموده بسوی جوسه دار روانه نمودند. همه اینها نشان میدهد، که سرمایه داران، هر کسی که باشد جز یک چیز یعنی انباشتن جیب خود فکر نمیکنند.

امروز که کارگران برخی از کشورهای در شرایطی مفروض، و در پرتو قرنهای مبارزه خونبار طبقه کارگر توانستند امتیازاتی کمبکنند، و شرایط کار و تاحدودی شرایط اجتماعی زندگی خود را بهبود بخشند، سرمایه داران دون صفت و مکار، کوشش میکنند تا چنین وانمود سازند که خود بدست خویش اینها را داد و طلبانه به کارگران هدیه کرده اند و این ترفندهای خاشی نیز کوشش میکنند تا در شرایط مختلف و با وسائل مقتضی پست نیادی سرمایه داران را لاپوشانی کنند و کارگران را به همکاری و مصالحه با سرمایه تشویق کنند.

هم اکنون در همین ما، توده ایها و اکثریتهای خائن سنج برجسته ای این وظیفه شوم را انجام میدهند.

تاریخ جامعه سرمایه داری، تاریخ جنبش طبقه کارگر در سطح جهان و از جمله تاریخ جنبش اول ماه مه این حقیقت را بروشنی نشان میدهد که هیچگاه سرمایه داران دا و طلبانه به کارگران امتیاز نمیدهند، بلکه برعکس همواره تا آخرین حد ممکن و با تمام وسائل لازم در مقابل خواسته های برحق کارگران ایستادگی

خواهند کرد.

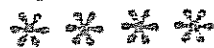
جنبش اول ماه مه با دیگر این حقیقت را ثابت میکند که دولت جامعه سرمایه داری از سرمایه داران حمایت میکند، نه از همه طبقات جامعه. بلندگوهای تبلیغاتی سرمایه داران چنین وانمود میسازند که دولت حافظ منافع طبقات تشکیل دهنده جامعه هست، جنبش اول ماه مه، همچون بسیاری از دیگر وقایع تاریخی نشان میدهد که همه دستگاههای دولتی در جامعه سرمایه داری در خدمت سرمایه دارانند، نشان میدهد که چگونه ارگانهای سرکوب دولت برای قتل عام کارگران آماده اند، نشان میدهد که چگونه دستگاههای قضایی برای محکوم کردن کارگران شتابزده عمل میکنند و در مقابل سرکوب سرمایه داران برده میکنند و سرمایه داران قاتل را آزاد میگذارند تا همچنان اعمال ضد انسانی خود را پیش ببرند.

از همه این واقعیات چه نتیجه ای بدست می آید؟ بزرگترین نتیجه آنست که کارگران برای بهبود وضع زندگی خود نمیتوانند از سرمایه داران سفاک و دولت حامی او انتظار داشته باشند تا در مقابل حقوق حقه آنها با و طلبانه گام بردارند، بلکه کارگران تنها با اشکاء به نیروی عظیم خود و متحدینش میتوانند خواسته های خود را جامعه عمل ببوشانند، تنها قاضی بین کارگران و سرمایه داران، اراده و اتحادیوتوان کارگران است. اگر مبارزه حاد و پیگیر طبقه کارگر، و متحدینش وجود نداشته باشد، حتی یک ماهه از توان بین جامعه سرمایه داری بشفیع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان نخواهد بود.

طبقه کارگر تنها با نیروی سازمان یافته خود، و با اعمال فشار و مبارزه برای اراده خلیل ناپذیر خویش و در اتحاد با دیگر طبقات محروم جامعه است که میتواند اراده خود را بر سرمایه تحمیل کند.

و دیگر اینست که تاریخ جنبش طبقه کارگر، از جمله جنبش اول ماه مه و وقایع بعدی نشان داد که طبقه کارگر جز با کسب قدرت سیاسی و درهم ریختن نظم سرمایه داری و ایجاد مناسبات نوین نمیتواند موفق به رها نشی از قید سرمایه شود.

و سرانجام اینکه جنبش اول ماه مه لحظه تحقق یکی از شعارهای بزرگ کمونیستهاست. قریب ۴۰ سال قبل از جنبش اول ماه مه آموزگاران کبیر ما، مارکس و انگلس شعار "کارگران سراسر جهان متحد شوید" را زینت بخش صفحه اول رساله تاریخ ساز خود یعنی "مانیفست" نمودند، جنبش اول ماه مه، و بلافاصله پس از آن، پیگیری پرولتاریای سراسر جهان برای تحقق شعار با ملت گاردر روز و قانونی شدن حق تشکیل اتحادیه های کارگری این واقعیت را سمبله نشان داد که کارگران ملتهای گوناگون علیرغم همه اختلافات طبیعی ممکن، در شرایط کم و بیش یکسان اجتماعی زندگی میکنند و برای منافع اساسی یکسان می باشند.



اکنون قریب یک قرن است که از جنبش ماه مه کارگران آمریکا میگذرد. و پرولتاریای جهان چندین تجربه تاریخی بزرگ دیگر را از سر گذرانده است. معذالک روز اول ماه مه نه تنها اهمیت خود را از دست نداد، بلکه همچنان بعنوان "روز جهانی طبقه کارگر"، مورد قبول کارگران سراسر جهان است و در قرن ما بخصوص

بقیه در صفحه ۲۶

**اول ماه مه، روز همبستگی
جهانی کارگران را گرامی
بداریم.**

مستحکم باد پیوند کارگران و زحمتکشان با
جریکهای فدائی خلق ایران

جریکهای فدائی خلق ایران - مارندران - ۶/۲/۵۷

شماره ۲۳

کارگران شرکت فسان از دواستال تجربه مبارزاتی خود سخن میگویند بقیه از صفحه (۱)

مدیریت این شرکت را فرامرز قائم مقامی و ایرج شفاثیان به عهده دارند.

شرکت (آنتروپوز) در سال ۱۳۳۴ شمسی در تهران تاسیس گردید که مستقیماً "زیر نظر مرکزیت این شرکت در کشور فرانسه اداره میشد. کار این شعبه در تهران نصب داربست فلزی ساختمان بود. اما بعداً "در نتیجه گسترش سرمایه گذاری های امپریالیستی، شرکت (آنتروپوز) در ایران به بستن قراردادهایی از قبیل لوله کشی نفت و گاز اقدام کرد. مانند خط سراسری گاز جنوب به شوروی، لوله کشیهای عظیم نفتی در مناطق نفت خیز و همچنین لوله کشی زیرآب نفت بین جزایر خارک و لاوان و غیره بود.

بعدها که رژیم شاه در سال ۱۳۵۱، قانونی وضع کرد مبنی بر اینکه شرکت های خارجی باید سهام خود را به ۴۹٪ تقلیل داده و ۵۱٪ باقی را به سرمایه داران ایرانی واگذار کنند، اجرای این لایحه شامل شرکت (آنتروپوز) نیز شد و فرانسویان ظاهراً ۵۱٪ از سهام خود را به قائم مقامی و شفاثیان که از کارمندان عالیرتبه شرکت بودند با صلاح فروختند. در سال ۱۳۵۴ شرکت نام خود را به فسان تغییر داد و به بستن قرارداد های بزرگ لوله کشی گاز و نفت پرداخت و از سال ۵۴ تا ۵۷ قراردادهای عظیم لوله کشی گاز به اسم (آنتروپوز) و با ماشین آلات شرکت فسان از قبیل لوله کشی گاز سرخس و نکا، با دولت بست.

در اواسط سال ۵۷ با اوچگیری جنبش توده ای، مدیران شرکت دست به اخراج دسته جمعی کارگران و کارمندان زدند. شرکت در آن زمان فقط در بخش ساخت و نصب اسکلت فلزی فعالیت میکرد و حدود ۲۷۰ نفر کارگر و کارمندان داشت. در بهمن ماه ۵۷ فقط تعداد معدودی از کارگران را برای انجام ۲۰ تن کار باقی مانده نگهداشته بودند که قرار بود بعداً تمام کار آنها را نیز اخراج کنند. (شرکت در سال ۵۵-۵۶ مجموعاً ۱۸ هزار - ارش کار انجام داده بود.)

بعد از ۲۲ بهمن ۵۷، بر اثر اخراج های بی رویه، کارگران دست به اعتراض بر علیه ظلم و ستمیائی که کارفرمایان بر آنان روا میداشتند، زده و برای احقاق حقوق خود به وزارت کار مراجعه کردند، اما از آنجا که این وزارتخانه نه برای دفاع از منافع کارگران بلکه برای فریب و سرکوب کارگران و دفاع از منافع سرمایه داران بوجود آمده بود، به کارگران وعده سرخرمن داده و رسیدگی به مشکلات آنان را به سه ماه بعد موکول می کنند. کارگران که از وزارت کار نتیجه ای نگرفتند، دست به دامن "کمیته مرکزی انقلاب اسلامی" شده و کمیته هم بایک عمل انقلابی!!! رسیدگی به خواسته های کارگران را به یک ماه بعد موکول میکند. بالاخره در اشراف ریکیا رچه کارگران به وزارت کار و کمیته، نمایندگان وزارت کار در تاریخ ۵۷/۱۲/۲۷، برای حل مشکل کارگران (درواقع کارفرما) به دفتر مرکزی شرکت آمده و مشکل کارگران را با تصویب عهدنامه که تمام و کمال در جهت منافع کارفرماست، حل مینمایند!!

بعنوان مثال ماده ۱۳ این عهدنامه که درباره چگونگی پرداخت حق اخراج کارگران میباشد، چنین است:

الف: تا سه سال خدمت هر سال ۳۰ روز آخرین پایه حقوق

ب: ۳ تا ۶ سال خدمت هر سال ۳۵ روز آخرین پایه حقوق

ج: ۶ تا ۹ سال خدمت هر سال ۴۰ روز آخرین پایه حقوق

د: ۹ سال به بالا خدمت هر سال ۴۵ روز آخرین پایه حقوق

اگر توجه داشته باشیم که با خرید کارگران از ۹ سال بعد ثابت و همان ۴۵ روز در نظر گرفته شده است، درحالیکه اکثر کارگران سابقه خدمتی آنها از ۹ سال به بالا میباشد، میتوان پی به ماهیت ضدکارگری این عهدنامه برد. زیرا کارگری که مثلاً سابقه کارش به ۱۵ سال میرسد، و در این مدت کارفرما، شیرجه جانش را مکیده و اکنون او را با مان خدا رها میسازد، دیگر مثل سابق نیروی کافی برای کار نخواهد داشت.

کارگران بعد از آن که از دولت جمهوری اسلامی خیری ندیدند، خود وارد عمل شده و در روز ۵۸/۱/۵ به دفتر مرکزی شرکت فسان در خیابان آنا تول فرانس رفته و دست به تحصن و گروگان گیری زدند که ۷۲ ساعت بطول انجامید. همان شب اول تحصن سیاهامگان (ازباند های است که امپریالیسم برای سرکوبی زحمتکشان بوجود آورده است) برای رها نیدن سرمایه داران به محل تحصن یورش آوردند که با صفوف پیلادین کارگران روبرو شده و مجبور به عقب نشینی میگردند که جزو سیاهی خود او را با نشان سود دیگری نداشت. شب دوم در ساعت ۲ بعد از نیمه شب افراد کمیته منطقه برای اجرای مقاصد سلامیشان (آزاد کردن سرمایه داران از جنگ کارگران) میخواستند تا با تهدید یکی از دانشجویانی که همراه کارگران بود، محل تحصن رخنه کنند، اما کلکشان نگرفت و کارگران متوجه قضیه شده و دست جمعی پیاسداران حمله کرده و همه آنها را خلع سلاح میکنند و

اسلحه‌های آنان را در یکی از اطافینای دفتر مرکزی انبار میکنند.

لازم به یادآوری است که رهبری این دسته‌آزاداران را یک افسرگاردشاهی بعهده داشت. پاسد

- اراک خلع شده دست‌آزادان را از تر محبوسه‌ها زگشت می‌شوند.

در سومین روز تحصن کارگران مبارز (۵۸/۱/۷) افراد کمبسته شمالفرسی تهران به اتفاق نمایندگان

وزارت کار در محل حاضر شده و تعیدنامه‌ای را که حاکی از پیروزی کارگران سرسما به‌داران در راه رسیدن به

قسمتی از خواسته‌های اقتصادی‌شان است، به امضاء کارگران و دانشجویان و کارفرما میرسانند. کارگران

با برقراری پیوند بین خود و نیروهای مترقی توانستند قسمتی از حقوق خود را از حلقوم سرما به‌داران زانو-

صفت بیرون کشیده و سایر دیگر مسائل تنهای شوم رژیم وابسته به اسپرالیسم را با اتحاد خود نقش بر آب کنند.

(کارگران حدود ۵ میلیون تومان از شرکت گرفتند) (سند شماره ۱)

[illegible]

قرار دهند و سلبه خود را بشنود سابق برقرار سا-
زند و شکم سیری ناپدیدر خود را بر کنند ، تصمیم
به انحلال شرکت گرفته و برای عملی نمودن آن
طرح یک بر نامه بلند مدت را ریختند ،
آنها به بهانه این که کار نیست
و حقوق کارگران را باید بپردازند ،

۵۸ تاریخ آذرماه ۱۳۰۵
 شماره ۵۰۸
 چنانچه
 کتبه وقت بهر روز اسلامی
 در این شهر
 آنکه به استحضار رسید به اداره کار
 بهر سبب باطله و هر چند که طبق قرارداد امام و سنی بر عدم گرفتن و
 اعتصاب و از کارگاه اداری نخواهیم که هر روز در به کار و حقوق حق ماگران
 شرکت مسافران فانی رسیدگی کرده با اطلاع کارفرمایان و بهشت و وزارت
 کار و امور خارجه و شغل مایه حقوق و به هر دو نفر از دو رویه
 لغو است و کما فی الزمان امر شرکت بهر گونه اعتصاب و گرفتن و کارگران
 شرکت مسافران فانی که مستخدم اداره کار و امور خارجه
 شخص مایه حاجات
 کتبه شده است
 مهر گوی
 شماره ۲
 اداره کار و امور خارجه
 ۵۸ تاریخ آذرماه ۱۳۰۵
 ۵۸ تاریخ آذرماه ۱۳۰۵

[illegible]

دریافت داشتند مبنی براینکه وزارت کار باید به اعتراض کارگران رسیدگی کند (سند موجود است ، شماره ۲) . بعد از یکماه وزارت کار جواب بیدای به شماره ۳۱۱۶۵ ، مورخ ۵۸/۶/۲۱ ، به شرکت ابلاغ کرد که آخرنامه چنین آمده است : " طبق دستور وزیر کار و امور اجتماعی متذکر میگردد تا تعیین تکلیف مزایای قانونی کارگران از طریق اداره کل کارتهران پرداخت است میگردد ، آن شرکت از خارج نمودن مواد اولیه از شرکت خودداری نماید " .

در اشراف و کار -
فرما برای فروش بقعه آهن آلات و مواد اولیه. در تاریخ ۵۸/۸/۶، کارگران با ردیگر دست به تحصن و گروگانگیری زدند. کارگران سر روی درب ورودی دفتر مرکزی سوخته بودند که: "سرای حل مسئله مافقط دادستان کل، حق ورود به محل تحصن را دارد."

دولت ما این اعتراضات بود که شما - سده دادستان ناگزیر گردید در تاریخ ۵۸/۸/۷ به دفتر مرکزی آمده و پس از گفتگوی زیاد حکمی به شماره ۵۳۵۹ مورخ ۵۸/۸/۷، بکار - گران بدهد.

شماره ۱۳. بموجب این حکم کارگران مستوا - نیستند در کلیه امور مالی شرکت و نظارت مستقیم داشته باشند. البته در حکم فوق تصریح شده بود که در هیئت اجرائی بکنفرنم با اید از طرف دادستانی حضور داشته باشند که این نماینده دادستانی هیچگاه شرکت نیامد و همب این امر، بیانهای برای کار فرما شد تا آن حکم را با قدرش اجرائی بدارند. این کشمکشها ادامه داشت تا آنکه در تاریخ ۵۹/۱/۲۵، به حکم فوق طبق نامه شماره ۴۸۰۵۲، به کارگران اسلخ گردید و بنا بر این حکم دست کار فرما برای فروش مواد خام بیش از پیش باز شد.

دادهستانی کل

انتخاب جمهوری اسلامی ایران

شرکت انسان

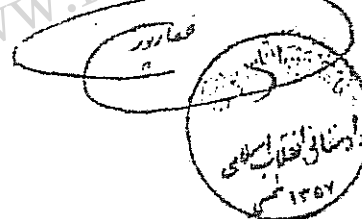
بموجب این حکم افراد ذیل بعنوان هیئت اجرائی در کلیه امور آن شرکت انتخاب و معرفی میگردد. و وظایف آنان رسیدگی به کلیه امور، جلوگیری از نفوذ خرینج اخلال و اصال ضد انقلاب و بهای بودن میزان تولید، ایجاد صمیمیت بین همکاران و مدیران شرکت رسیدگی به کلیه اسناد و مدارک شرکت، ایجاد تسهیلات بمنظور ایفای حقوق حقه کلیه کارکنان و پاکسازی محیط شرکت از افراد متخلف و اخلالگر و ضد انقلابی، صدور هر نوع اسناد و اوراق تمهید آور و مطالبات که باید یک امضا از مدیر عامل شرکت و یک امضا از عضو منتخب عمورا و به طور کلی قبول همه نوع مسئولیت در راه رفاه کارکنان شرکت باشد. این امضا هیئت با توجه باصالت انقلاب اسلامی خداوند و عند الرسول به وظائف خود عمل نموده تا همه کارکنان و مدیران در رفاه نسبی برخوردار شوند.

۱- آقای سید مرتضی حسینی ۲- آقای منطها توکلی (اعضای منتخب،

تیمورای اسلامی کارکنان) ۳- آقای ابرج شفاپان ۴- آقای فرامرز قائم مقامی (مدیران شرکت)

همینا نماینده دادهستانی در نامه جداگانه معرفی خواهد شد

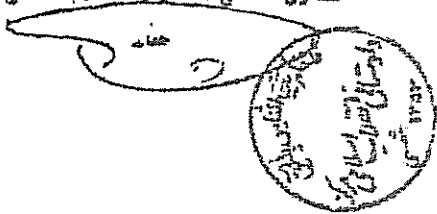
معاون دادستان انقلاب اسلامی استان مرکز



تاریخ: ۱۳۵۷
مهر: ۱۳۵۷
مهر: ۱۳۵۷

تاریخ: ۱۳۵۷/۸/۲۵
شماره: ۵۳۵۹
مهر: ۱۳۵۷

دادهستانی کل
انتخاب جمهوری اسلامی ایران
شرکت انسان
سازمان بهای طلاع سرما ده ده حکم شماره ۵۳۵۹ مورخ ۵۸/۸/۷
توضیح: در این حکم است راجع به اداره شرکت و مدیریت
خیل خواب و مضرات قانون تجارت و سایر مقررات مصوبه
و اساسنامه و اقدام خود
معاون قضائی دادسرای انقلاب اسلامی ایران



در طی این مدت حدود ۵۵ تن از کارگران ستدریج مزایای خود را بر مبنای سالی ۴۵ روز گرفته و رفتند. اما بقیه کارگران که حدود ۲۲ نفر میشدند، همچنان مصمم در سرگیری رزوه خود ماندند. در این گیرودار بود که بخشنامه‌ای از طرف شورای انقلاب مبنی بر بلابردن پایه حقوق از ۲۱۰۰ ریال به ۵۸۶ ریال که حاصل مبارزه کارگران بود، صادر گشت. کارفرما از اجرای مفاد این بخشنامه بدین دلیل که کار نیست، پول ندارم و غیره، طفره میرفت و میگفت که ما توجیه‌های وضع شما هم که از فروش چند کیلو آهن!! جلوگیری میکنید. کارگران توانستند با مبارزه بی‌گیرا خانه حقوق تصویب شده را از کارفرما بگیرند. البته این وجوه را از شرکتی‌هایی که به شرکت فسان بدهکار بودند و توسط دولت مصادره شده بودند، دریافت میشد، زیرا که شرکت فسان در این رابطه حدود ۳۵ میلیون تومان از دولت طلب داشت. با تشکیل شورای کارگری و قدرت گرفتن آن، کارفرما با فکرافتادتا از کارمندان شورایی درست کرده و آن را در مقابل شورای کارگری قرار دهد، اما آگاهی بسی کارمندان این نقشه کارفرما را که تشکیل شورای فرمایشی بود، نقش بر آب کرد.

در اردیبهشت ماه ۵۹، کارگران بعزت دریافت نکردن حقوق فروردین دست به گروگانگیری زدند. گروگانگیری مدت ۴۸ ساعت بطول انحام میدو سراسر انحام نماینده‌ای از جانب رئیس جمهور بین کارگران آمده که میخواست با عوامفریبی و تحمیق، کارگران را وادارند تا دست از تحمیل برداشته و گروگانها را آزاد نمایند. اما تجربه مبارزاتی کارگران به آنان نشان داده بود که شیرین سخنی نمایندگان دولت شکم زن و وجه آنان را سیر نمیکنند و در ضمن در طول مبارزه خود از این حرفها زیاد شنیده بودند و دیگر مایهت ارگانهای دولتی مثل وزارت کار، نماینده رئیس جمهور و غیره برایشان آشکار شده بود، فریب نماینده رئیس جمهور را نخورده و سرخواسته‌های خودپای فشاری نمودند، نماینده رئیس جمهور تحت فشار کارگران قول داد که در جهت پرداخت حقوق معوقه کارگران و طلب شرکت از دولت کوشش کند و در مورد فعال کردن شرکت نیز در حد توانایی خود عمل کند. بالاخره کارگران در اشرم مبارزات خود حقوق معوقه خود را دریافت کردند.

یکی دیگر از حیل‌های کارفرما برای تعطیل شرکت این بود که در مناقصه‌های دولتی مثل مناقصه مدرسه عالی معدن و همچنین مناقصه شرکت واحد شرکت مکر دولتی چنان قیمتی برای مناقصه‌بیشنها دمیکرد که هیچ‌گاه برنده نمی‌شد.

مدیران شرکت که از ابتدا قصد تعطیل کردن این واحد عظیم صنعتی را داشتند، مشاهده کردند که اگر وضع بدین منوال پیش رود، محبور خواهند بود که کارخانه را تحویل کارگران داده و خود از میدان کناره‌روند. بنا بر این دست به توطئه جدیدتری زدند، بدین ترتیب که شرکت سینتا حدود ۱/۳ میلیون تومان از شرکت فسان طلب داشت و بنا به توافق مدیران هر دو کارخانه قرار بر این شد که سفته‌های و اخوانی به دادگستری ارجاع و در نتیجه حکم توقیف شرکت فسان و مسدود شدن حسابهای آن شرکت از طرف دادگاه شماره ۵ تهران تحت شماره ۴۲۸/۵۹ مورخ ۵۹/۲/۱۵، صادر گردید.

شرکت فسان با وجود دهها میلیون تومان ماشین آلات و زمین و ساختمان ۱۳ طبقه در خیابان فاطمی و غیره به ناگهان برای ۱/۳ میلیون تومان شرکت توقیف میشود! و جالب اینجاست که وقتی ماء موران دادگستری برای بستن کل حساب شرکت در تاریخ ۵۹/۸/۱۸، بدفتر مرکزی آمده بودند، مشاهده کردند که دفتر کل شرکت موجودی‌ای به مبلغ ۱۳/۷ میلیون تومان را نشان میدهد!!! و این در حالی است که کارگران حدود سه ماه بود که حقوق دریافت نکرده بودند.

شورای کارگران برای ابطال حکم فوق با کارمندان آگاه و پیشرو در جلسه‌ای تصمیم گرفتند تا با مراجعه به مقامهای ذیصلاح، شرکت را از حالت توقیف درآورده و فعال نمایند، لذا ۱۵ نفر از بین کارگران و کارمندان انتخاب شدند تا موضوع را پیگیری نمایند. اولس نامه را به دفتر پیشی فرستادند و در آن ماحوای شرکت فسان و شبانی دوسرما به دارا نوشتند. بهشتی موضوع را به وزیر دادگستری ارجاع کرد. درستی که بین وزیر دادگستری و مدیرکل اداره ورشکستگی آقای مری و مشاور حقوقی صنایع و معادن آقای سوری جهت حل موضوع لغو حکم و فعال شدن شرکت انجام شد که بعد از یک ساعت کارفرما با شرکت را سر به جسد فرستادند. نتیجه آن شد که آقای سوری مشاور حقوقی صنایع و معادن با کمال وقاحت و انحس سر بر آ میروند

اتحاد، اتحاد - کارگران اتحاد

مدیران شرکت میکنند و میگوید: "شما میبایست در همان روزهای اول کلک کارگران را میکندید و اخراجشان میکردید، نه اینکه ۲۳ ماه پول مفت به این گردن کلفتها می دادید که حالا هم شاخ شما شوند!!". ز طرفی مسئولان کارگاهها را زیر پوشش وزارت صنایع و معادن میگیریم که بیش از ۳۰۰۰ نفر کارگرداشته باشند، نه کارگاهیکه ۲۲۰ نفر کارگردارد. یکی از مدیران در جواب گفت: "اگر ما حالا بخواهیم کارگران را اخراج کنیم، ممکن است در اثر فشار یکی از کارگران دست به خودسوزی بزند و برای ما اسباب دردسر شود که آقای نوری بسا کمال بشیرمی و وقاحت میگوید: "اگر کسی خواست خودسوزی کند بفرستید تا خودم بنزین به او بدهم".

کارگران اگر نمی دانستند وزارت دادگستری و عالیجنابان!! گرداننده آن برای رسیدن به داد و ستد به داران وابسته به امیرالایم موجود آمده، خود به تجربه دریا فتند که از وزارت دادگستری جمهوری اسلامی هم خبری به کارگران نمی رسد که هیچ، بلکه مرکزی برای توطئه علیه مردم زحمتکش ماست.

کارگران که از وزارت دادگستری نتیجه ای نگرفتند، در تاریخ ۵۹/۹/۱۱، نامه ای به دفتر ریاست جمهوری فرستادند و بعد از مدتی معطلی مشاور صنعتی رئیس جمهوری آقای درویش کارگران را پذیرفت، آقای درویش از همان ابتدا شروع به تضعیف روحیه کارگران کرد و پس از خواندن نامه کارگران با استناد ماده ۳۳ قانون کار آریا مهری حق را به مدیران کارگاه داد، در این موقع بود که کارگران به خشم آمده و دسته جمعی به او اعتراض کرده و گفتند که ما شاه را به زیبا لهدانی تاریخ انداختیم، شما هنوز قانون آن ملعون را برای خود مقدس می شناسید؟ آخرین برای شما سنگ است که اسم خود را انقلابی هم گذاشته اید و با بر روی خون ۷۰ هزار شهید و ۱۰۰ هزار مجروح میگذارید؟ یا سنگ آمدن قافیه درویش گفت: "حراسا میگویید، خودتان بروید به مجلس شورای اسلامی این حرفها را بزنید، تا زمانی که قانون جدیدی تدوین نشده، قانون قدیم برای ما مقدس است!!". من ۲۵ سال عمر را در وزارت کار گذرانده ام و ببینید قانون کار را بلدم!!!

در اینجا کارگران تجربه دیگری درس گرفتند و آن این بود که رئیس جمهور نیز رئیس جمهوری ساخته و پیرداخته دست امیرالایم است و توی سر و کله هم زدن رئیس جمهور و بهشتی (حزب جمهوری) نه بخاطر زحمتکش بلکه برای منافع حقیر خودشان است.

کارگران که از دفتر ریاست جمهوری نیز خبری نگرفتند، با ردیگر نامه ای به وزارت صنایع و معادن نوشته و خواستار آن شدند که آن وزارت خانه، کارخانه را تحت کنترل خود بگیرد. میرزا خانی مشاور صنعتی و نعمت زاده وزیر صنایع و معادن وعده هایی به کارگران دادند که بنا به درخواست آقایان و تحت فشار کارگران مدیران - بیت حاضر دنیا مه ای به وزارت صنایع و معادن بنویسد و کارخانه را به دولت واگذار کند که همه اینها برای فریب کارگران بود. کارگران که در جریان مبارزات خود از این حرفها زیبا شنیده و عملی ندیده بودند، در وزارت صنایع شروع به داد و ستد کردند و خواستار رسیدگی به مشکل خود شدند، تعدادی چند ساعت درگیری کارگران با دیدن نوری این نوکر سینه خاک سرما به داران وابسته به امیرالایم بخشم آمدند و کارگاهی رسید که نزدیک بود او را از طبقه سوم به زیر پرت کنند که با دخالت معاون وزیر موضوع خاتمه یافت.

کارگران دوباره به "بهشتی" نامه ای نوشته و خواستار ملاقات حضوری با وی شدند. پس از چندین ساعت سرگردانی در دادگستری، رئیس دفتر بهشتی به نمایندگان کارگران اطلاع میدهد که ایشان (بهشتی) نمی تواند شما را سید و شما فقط میتوانید وقتش ایشان را در حال بیرون رفتن از کاخ وزارت دادگستری ملاقات کنید و با ایشان صحبت کنید. این سرخورد سرکارگران گران آمد و با صدای بلند شروع به اعتراض کردند، و چنان سروصدائی راه افتاد که تقریباً اکثر کارمندان از اتاقهای خود خارج شدند و به طبقه ای که نمایندگان کارگران آنجا بودند، آمدند. ولی از قرار گوشه ای آقای بهشتی برای شنیدن اعتراضات حق زحمتکشها بی ماکراست و ایشان از اتاق خودشان مثل موش از ترس گریه، از سوراخ خود خارج نمیشد و بیرون نیامد. بعد از ۱۵ دقیقه بهشتی با سه محافظ مسلح از اتاق خود خارج شد و در مقابل سئوالات مکرر کارگران فقط گفت که: "گفتم به کار شما رسیدگی شود". کارگران از این شیوه برخورد بخشم آمدند و زمانی که بهشتی وارد آسانسور میشد، یکی از کارگران فریاد زد برویم، در اینجا تنها از منافع سرما به داران دفاع میکنند.

کارگران با ردیگر به مدیرکل امور ورشکستگی مراجعه میکنند که با زهمان جوابها را دریافت میکنند. کارگران که از این نامه نگاری ها و مراجعات مکرر نتیجه ای نگرفتند، خود را با اقدام کرده و برای رسیدن به خواسته های خود در تاریخ ۵۹/۹/۱۲، دست به تحمیل و گروگان گیری زدند و طی قطعنامه ای خواستار جبران مزا برای هرسال سنوات خدمتی در صورت اخراج و پیرو وضع بیمه کسانیکه نزدیک به ۲۰ سال سابقه خدمت دارند، بودند تا بتوانند با استفاده از قوانین دولتی از حقوق بازنشستگی استفاده کنند در جریان آخرین

گروگانها نگیری بعضی از کارمندان مبارز و آگاه نیز دوش بدوش کارگران در مبارزه شرکت داشتند. کارگران بعد از بدگروگان گرفتن کل هیئت بدیره و کشمکش و درگیری های بسیار توانستند به قسمتی از خواسته های خود دست یابند و سرانجام موفق شدند که سه ماه مزایا به ازای هر سال خدمت گرفته و وضعیت بیمه خود را بهبود بخشند.

رفقای کارگران!

مبارزات طولانی کارگران مبارز شرکت فسان برای گرفتن حق خود نکات آموزنده بسیاری دارد که میتوان از آن درس گرفت. بعضی از آن نکات را در اینجا ذکر میکنیم: کارگران مبارز شرکت فسان در جریان مبارزه خود در بافتند که هیچیک از کارکنان و مسئولین دولتی نه تنها قدمی در جهت منافع کارگران بر نمیذارند، بلکه همواره مشغول توطئه بر علیه زحمتکشان ما میباشند. آنها در بافتند که تنها با اتکا به زور است که می توان قسمتی از حقوق خود را در بافت و تنها با قهر انقلابی است که میتوان دشمن خلق را برانداخت و در آورد، رفقای کارگران در جریان مبارزه خود در بافتند که پلیس و پاسداران و ارتش تنها برای سرکوبی زحمتکشان بوجود آمده اند و هر جا که کارگران برای خواسته های خود بپا خاستند، فوری با سرکوب ضد انقلابی آنان مواجه شدند.

اما رفقای کارگران باید تصور کنند همینکه به یکسری خواسته های اقتصادی خود رسیدند، موفق شده اند، نه اینطور نیست. رفقای کارگران باید بدانند تا زمانی که سرمایه داری وابسته به امپریالیزم در کشور ما حاکم است و تا زمانی که ارتش و سپاه پاسداران پلیس حافظ نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیزم هستند، هیچگاه به حقوق واقعی خود که همان آزادی از قید و بند های سرمایه چینی است، نخواهند رسید و همواره رژیم جمهوری اسلامی با چماق خود یعنی سپاه پاسداران و ارتش، آنان را سرکوب میکند، رفقای کارگران تجربه در بافتند که تنها با قهر انقلابی می توان به قهر ضد انقلابی امپریالیزم و نوکران آن پاسخ گفت.

www.archive.ir

کارخانه چیت سازی بهشهر

کارفرمایان خون آشام که خواهان مکییدن آخرین شمره تلاش کارگران میباشند ابتدا از دادن حق طبقه بندی توسط احمد توکلی نوکر رژیم جمهوری اسلامی طفره رفته و با یکسری دوز و کلک ها در این امر توفیق یافتند و سپس از پرداختن حق بازنشستگی و طرح معروف به ۱۵ روز در سال سر باز زدند، که دومی را هم بالا کشیدند و در مورد بازنشستگی نیز تا حدودی توفیق یافتند، زیرا که از هر ۳۰۰ هزار تومان حق مسلم کارگران پول پرداختی فقط پرداخت ۱۶ هزار تومان تصویب گردیده و اکنون هم قصد دارند ۸ هزار تومان آنرا بپردازند. ولی کارگران باز نشسته زیر بار این یکی نرفته و در ۱۸ فروردین ماه ۱۳۶۰ در محل کارخانه اجتماع کردند. تعداد کارگران حاضر دویست و چند نفر از تعداد کل ۷۴۰ نفر بود. خواسته های آنان عبارت بودند از:

- ۱ - عدم تقلیل حق بازنشستگی به ۸ هزار تومان
- ۲ - دادن جای به کارگران و کارمندان
- ۳ - پرداخت پول عیدی
- ۴ - عدم حبس آوری اتوبوس رفت و آمد (سرو-پس) کارگران در شهر

مسئولان این کارخانه نیز همانند سایر کارخانه ها بمنظور زدیدن شمره تلاش کارگران و عدم پرداخت حقوق مسلم آنان به هر حیل و ای متوسل میشوند.

اینبار به بررسی وضعیت بازنشستگان خواهیم پرداخت. کارگران این کارخانه که تحت سخت ترین شرایط و قوانین استثمای کارگران که از دوران حاکمیت محمدرضا شاه در کارخانه حاکم است و در بدترین شرایط بکار مشغول بودند، اکنون پس از ۳۰ - ۴۰ سال سابقه کار بدون دریافت حتی حداقل مزایا برای بازنشستگی باز نشسته میشوند.

از لحاظ مسکن، کارخانه قصد داشت تعدادی از خانه های مسکونی را به آنها نواهی بازنشستگی سلب نماید تا بجای آن افراد حامی خود از جمله بسیجیهائی که در کارخانه مشغول کار هستند را بپر کنند که این توطئه آنها با اتحاد کارگران نقش بر آب شد.

گوانی نیز آنقدر به کارگران فشار آورده است که تعدادی از کارگران باز نشسته بعلت ناچیز بودن حقوق ایام بازنشستگی علیرغم تهدید و تصویب قانون محازات و... دست بفروش بلیتهای کارگری خود زده اند.

کارگران مجتمع به جلوی دفتر کارخانه مراجعه کرده و در رابصر لگ یک کارگر زن گشودند. مدیر کارخانه در برابر سوالات کارگران که چرا چنین قوانینی وضع شده از خود سلب مسئولیت نمود. بعد کارگران معترض دریاگاه کارگران جمع شدند و مسئولین سعی در فریب کارگران خشمگین که از ساعت ۸ تا ۱/۵ بعد از ظهر ادامه داشت، نمودند اما موفق نشدند و بالاخره ۱۰ روز مهلت برای پرداخت آن پول باقیمانده خواستند و قرار بر این شد که کارگران روز ۲۸ فروردین در کارخانه جمع شوند. با یکی از کارگران در مورد حق بازنگشتگی گفتگوئی شده که عیناً نقل میگردد.

کارگر - مسلماً ۸ هزار تومان را با ما خواهند داد زیرا کارگرها قدرت خود را به آنها نشان داده اند و آنها حساب خودشان را کرده اند و سخا طر همین برای

ستن دهن کارگران قدری به کارگرها میرسند. کارگرها میخواهند وقتی این ۸ هزار تومان را گرفتند به مراجع شکایت کنند و موضوع طرح طبقه بندی و ۱۵ روز کار در سال را مطرح کنند.

رفیق محاسب - خوب این قانون و مرجع که حامی سرمایه داران است هیچوقت از شما حمایت نمیکند، پس شما نباید فقط به این شکل مبارزه بکنید. حتماً اگر شده به تحصن و... بکشید.

کارگر - خلاصه ما بدکارگرها برسند.

در این راسته رفستگران شهر داری از عمل کارگران در مقابل مدیر عامل جدید کارخانه که شهر داری است میباشند آنان دل پر خونی از دست وی دارند خیلی خوشحال شدند، که کارگران کارخانه جیت جواب دندان شکنی با و داده بودند.

● آذرشهر

بدنبال صدور بخشنامه مربوط به افزایش حق بیمه کارگران، از آنجا که کارگران مجبورند حق بیمه بیشتری بپردازند، کارگران چندبیشه آذرشهر دفترچه های بیمه خود را پس داده و از چنین با مصلاح مزیتی چشم پوشیدند.

حق بیمه کارگران چندبیشه ۲۷ درصد شده و بنا بر این پولی که کارگران باید از این بابت بپردازند از ۱۰ تومان به ۱۴۰ تومان در ماه رسیده است. و جالب توجه است که این افزایش مبلغ را از بدو استخدام (بیمانی) کارگران معنی از مهرماه ۵۸ محاسبه خواهند کرد.

● کارخانه البرز (۶۰/۱/۱۸)

حدود ۲۵۰ نفر از کارگران در تاریخ ۶۰/۱/۱۸ تصمیم گرفتند که جهت دریافت ۲۰ روز اضافه دستزد دست به اعتصاب بزنند. بدنبال این تصمیم کارگران با لباس کار روانه قسمتهای مربوطه شدند و لسی هیچکدام بکار نپرداختند. بزودی مسئولین کارخانه از موضوع مطلع شدند و مدیر کارخانه برای سخنرانی به میان کارگران رفت. یکی از کارگران پرسید: لطفاً بگوئید در ماه حق در حقوق دریافت میکنید؟ مدیر با "شکسته نفسی" گفت: من قبلاً ۲۱ هزار تومان حقوق میگرفتم ولی اکنون ۱۶ هزار تومان میگیرم. ما نصد این حرف کارگران او را "هو" کردند و گفتند: لازم است حرف سری برای اسکله منکسل

ما را نمیتوانی درک نمائی. سپس یکی دیگر از مسئولین میان کارگران آمد و شروع به صحبت نمود ولی کارگران دیگر فرصت ندادند و با خشم فراوان نسبت به این مسئولان که آنها را به تولید زیاده واداشته بودند و اکنون از پرداخت اضافه دستمزد طفره میفرستند سوی مدیر حمله ور شده و او را به داد کتک گرفتند. فردای آنروز در مورد ادامه اعتصاب بین کارگران بحث در گرفت ولی بعلت عدم اتحاد کافی در بین خود نتوانستند به اعتصاب ادامه دهند و اینحال مسئولین کارخانه از ترس اینکه مبادا کارگران مجدداً تعرض نمایند تصمیم گرفتند که حدود ۳۰۰۰ تومان وام به کارگران بدهند و هر ماه ۴۰ تا ۵۰ تومان از حقوقشان کسر نمایند.

پیروز باد مبارزات حق طلبانه کارگران

و سادر رابطه با آن قرارداداشتند میگفتند: دست ما خالی دست آنها پر. تا زمانی که ما اسلحه نداریم ما را به رگبار خواهند بست.

آری - زحمتکشان میهمان بدرستی راه مقابله با این رژیم وابسته به امپریالیسم را دریافته اند، که در مقابل ضدخلق مسلح باید مسلحانه اقدام نمود.

با اصطلاح نماینده مردم شاهی،
روستائیان جویبارکلاگر محله را فریب داد

یک رفیق روستائی گزارشی از وقایع روستای جویبارکلاگر محله برای ما فرستاده است. ما علیرغم گذشت مدت زیادی از تاریخ نگارش آن مطلب را درج میکنیم و متأسفانه محوریم تغییراتی در سبک نگارش و انشاء آن بدهیم.

خیانت پاسبانان انقلاب در جویبارکلاگر محله

۵۹/۷/۱۷ چند شبی بود که اهالی به مسجد می آمدند و در مورد انتخاب نماینده گفتگو میکردند و بالاخره یک نفر را انتخاب کردند. اما شخصی بنام زلف علی توکلی که خود از وابستگان علی توکلی زمیندار بزرگ منطقه بود گفت که این نماینده بچه است و نمی تواند حرفهای ما را در برابر مراجع بالا مطرح کند، که عده ای فریب سخنان او را خورده و شخصی بنام حامدی که خود یک سرمایه دار و از اعضای حزب ضد خلقی جمهوری اسلامی است را بعنوان نماینده انتخاب کردند. البته در طی آن میان اهالی اختلاف افتاد و عده ای حامدی را به عنوان نماینده قبول نداشتند و وی را نماینده پاسبانان ضد خلقی میدانستند.

۵۹/۷/۱۸ - در این شب پاسبانان به خانه ها ریخته و زنان را کتک زدند.

۵۹/۷/۱۹ - اهالی حامدی را به مسجد آورده و در آنجا تجمع کردند. سپس علت را جویا شدند که وی پاسخ داد "آنان (پاسبانان) برای سرکوب ضد انقلاب آمده بودند". که اهالی گفتند: "یک سرمایه دار نمیتواند نماینده بشود، نماینده واقعی ما کسی است که ما نند ما در سر زمین کار کرده و عرق بریزد". که درگیری شد و حامدی به مقر پاسبانان ضد خلقی رفته و شام

رژیم جمهوری اسلامی از درآمدنا چیز
صیادان نیز نمیگذرد.

طبق قانون ارتجاعی یک رژیم وضع کرده، فروش ماهی در بعضی نقاط کیلوئی و در منطقه دیگری سمورت مددی صورت میگیرد و این موضوع خود سیاه جیبی برای چابیدن صیادان و ایجاد ضرب و شتم نسبت به آنها شده است.

در سندرانزلی ماهی بصورت عددی بفروش می رسد از اینرو ماهی گیران پره سر، رفوا نشیر، هشتپر که فروش ماهی در آنجا ها کیلوئی است، برای فروش به سندرانزلی میروند. ولی این صیادان در راه دائما مورد اذیت و آزار پاسبانان قرار میگیرند که آنها را بجرم فروش "ماهی قاچاق"!! دستگیر میکنند و از قرار کیلوئی سه تومان، ماهی را از آنان بسزور میگیرند. صیادان میگویند با این پول قصابان نیستند دام و سایر وسایل صید ماهی را بخرند چه رسد به اینکه معاش خود را تامین کنند.

اظهار نظرهای مردم پره سر
در رابطه با رسوایی پاسبانان

پره سر ۶۰/۱/۶

همانطوریکه در خبرنامه شماره ۵۶ راجع به درگیری بین مردم پره سر با پاسبانان ضد خلقی، به اطلاع خوانندگان رساندیم اکنون در زیر اظهار نظرهای مردم پره سر را نسبت به پاسبانان میخوانید: یکی از مردم میگفت: اگر نه فرمیان ما اسلحه داشت دیگر این وحشیها اینطور ما را خیل و راحت به رگبار نمی بستند. پدر شخص محروح میگفت: بی شرفها همینطوری می آیند مردم دست خالی را برگیر می بندند و فرار میکنند. محروح میگفت: باید با آنها مقابله کنیم، که پدرش در جواب گفت: آخر با یک تکه چوب که نمیشود جلوی اسلحه ماند. آنها یک دولت پشت سردارند، ما یک اسلحه هم نداریم. ما باید مسلح باشیم تا بتوانیم با آنها مبارزه کنیم، اصلا قاتل پاسبان اسلحه است، تو هر چه حرف حق را بزنی من میدانم که راست میگوئی ولی آنجا که حرف حساب سرشان نمیشود. اکثر کسانی که در این درگیری بودند

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش

و اردگردستان بخصوص دهات بشود. در این رابطه یک روستائی را با ۳ کیلوشکلات بجرم حمل زیاد شکلات و آذوقه برای پیشمرگه‌ها با زداشت وزندائی کرده‌اند.

سربا به گزارش

سربازان انقلابی

● میان دو آب
مستقر در میان دو آب :
آرژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که از ابتدای روی کار آمدن برای زحمتکشان میهنمان جز فقر و بدبختی چیز دیگری به ارمغان نیاورده، بمناسبت بزرگداشت ۱۲ فروردین، ۱۲ گلوله توپ ۱۰۵ میلیمتری بسوی روستاهای فقیرنشین کردستان شلیک کردند و جنس در لحظه بعد خانه و کاشانه زحمتکشان و زمینهای آنها را که با عقب مانده ترین وسائل کشت کرده بودند، به ویرانه‌ای بدل ساخت و چندین زخمی از ناحیه دست و پا برجای گذاشت.

۳- پاسداران مزدور مستقر به سوگلی تپه میان دو آب با پاسداران دیگر پشت کالیبر ۵۵ مسابقه نشانه روی برگزار میکنند. بدین ترتیب که قلب یا مغز هر رهگذری که در منطقه گردن‌ش در تیررس آنها قرار گیرد، بعنوان خال سیاه سمبل شرط بندی بیشتر - مانده آنها قرار میگیرد.
این مزدوران بدانند که هیچکدام از این جنا - یتهای بی جواب نمانده و خلق انتقام خون تک تک شهید - آیش را خواهد گرفت.

ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی در

ادامه سیاست ارتش شاهنشاهی دست به

بازسازی خود زده و قوانین سابق را دست

نخورده حفظ کرده است.

مطالبی که در زیر عنوان شده گویای این واقعیت است که سیستم سلسله مراتب با حفظ تعداد سالهای قبلی خدمت؟! محفوظ بوده و افراد ارتقاء مییابند. سرهنگ دومیرغیائی متولد در دسر که در حمله به مردم کرمان و قتل عام مردم زحمتکش قزوین در روز - های یروشکوه قیام بخصوص به صفوف نفت دست داشت. در تاریخ اسفند ماه سال ۵۹، به درجه سرهنگ تمامی ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی ناقل شد.

سرگرد افشار که سملو که جزو گارد محافظ "شهبانو" به حساب می آمد پس از طی دوره هائی در اسرائیل و آمریکا با هزینه هائی که شاه جنا بتکار برایش از بیت المال خرج کرده بود برای جنگ علیه خلق آماده گشت پس از قیام به ماء موزیت برای کشتار مردم بی دفاع ترکمن صحرا و با لایحه به پاس این خدمات

پسداران مجدداً "بخانه اهالی ریخته و اهالی که از قبیل جریان را میدانستند به سر زمین رفته بودند. اما پاسداران زن را که در خواب بودند بیدار کرده و خانه را برای یافتن اعلامیه تفتیش کردند و برای ترساندن زنان مقام و غیور چند تیر هوائی شلیک کردند.

۵۹/۷/۲۰ - زنان و مردان غیوری که تعداد آنها به ۵۰۰ نفر میرسد برای شکایت به استانداری ساری رفته و در آنجا تحمّل کردند. یکی از سردمداران حزب جمهوری اسلامی بنام فکوری به استانداری آمد ولی مردم با سؤال و جوابهای خود آنچنان فکوری را رسوا کردند که او از استانداری رفت و دیگر برگشت و مردم بدون اخذ نتیجه به "جویبار" برگشتند.

۵۹/۷/۲۱ با زهم جمعیتی که اینبار تعدادشان کمتر از ۱۰۰۰ نفر نبود در استانداری گرد آمد. اینبار شیرازیان با اصطلاح نماینده مردم شاهی در آنجا بود و در پاسخ اهالی گفت: "من کار شما را درست میکنم شما به روستای خود برگردید".

از آن تاریخ تا کنون اهالی منتظرند ببینند ایشان چکار خواهند کرد (!)

جریکهای فدائی خلق ایران

یک رفیق هوادار

جریکهای فدائی خلق ایران

که هم اکنون سرباز وظیفه در سنج می -

باشد اطلاعات خود را برای ما ارسال داشته که ما

آنها را با جزئی تغییراتی در آنها چاپ میکنیم

پاسداران به علت شناسائی نیروهای انقلابی و پیشمرگه‌ها از لباس سربازی استفاده میکنند (زیرا که سربازان وظیفه در بین مردم احترام خاصی دارم - باشند) این امر موجب اعتراض شدید سربازان گشت بسیاری از سربازان وظیفه ۵۶ را به بهانه جنگ با عراق به کردستان آورده‌اند. این امر باعث اعتراض سربازان وظیفه گشته، لذا آنها را تهدید به دادگاه صحرائی نموده و هر بار عده‌ای را بزنند می - اندازند.

اضافه حقوق افسران روزانه ۲۶۰ تومان، اضافه حقوق درجه داران روزانه ۱۸۸ تومان است. هنگامیکه سرکوبگران به دهات برای تفتیش میروند هر چیزی که جلوی دستشان باشد مانند دارو، وسائل خوراکی و پوشاکی و وسائل خواب را با خود می ببرند.

در پاکسازی وقتی که موفق به دستگیر کردن پیشمرگه‌ها نمیشوند، خانواده‌های آنها را با خود برده و مورد آزار و اذیت قرار میدهند.

در طی نامه محرمانه‌ای برای فرماندهان گفته - اند که هیچگونه آذوقه اضافی مخ - را دارو نباید

نی قیمت!..... در رژیم جمهوری اسلامی به درجه سرهنگ ۲ ارتقاء می یابد و اکنون نیز برای خبانت و فریب در جبهه جنگ است.

پادگان انقلاب گروهان ۲۵ گردان ۲

یک روز صبح سربازان در پی اعتراض به عدم دریافت جیره نفت و جای از آسایشگاه بیرون نیا آمدند. ابتدا فرمانده گروهان و سپس فرمانده گردان آمد و داد و فریاد کشید که همه شما را زندانی میکنم. برادر - ان مادر جنگ هستند و در سرما نه غذائی و نه لباسی و شما می خواهید در جای گرم بخوابید. متاه سفاته بعثت نداشتن اتحاد سربازان مجبور به ترک آسایشگاه شدند.

مطالب زیر بر اساس گزارش یکی از رفقای هواداران زندان تبریز تنظیم گردیده است

در این زندان، زندانیان تحت شکنجه روحی قرار دارند. بعنوان نمونه: افرادی هستند که ۶ ماه بدون تکلیف در زندان بسر میبرند. بطور کلی در مورد زندانیان بلا تکلیف، زمره های گوناگونی سر میدهند گاه از اعدام آنها و گاه از آزادیشان سخن میگویند و بطور کلی سعی میکنند در انتظاری مبهم آنها را بسر جای بگذارند.

از ورود روزنامه به زندان "شدیدا" جلوگیری می کنند و فقط بندها اجازه خرید روزنامه کیهان، اطلاعات و یا جمهوری اسلامی را میدهند. از لحاظ بهداشت و دکتروضع بسیار بد است. فقط هفته ای یکبار میتوان به بهداری مراجعه کرد و آنجا نیز دارو و دکتر خوب نیست.

وضع غذا نیز شباهت به وضعیت بهداشت دارد. هرگونه اعتراض نسبت به غذا، حمام و..... بی آمدن به سلول محدود را دارد.

حدود ۱۰ تن اکثریتی در زندان هستند که در نقش جاسوس حکومت و خرجین فعالیت میکنند و بر علیه نیروهای مبارز گزارش رد میکنند.

خسرو شهر (۶۰/۱/۱)

۱۳ ساعت ۱۵ عصر روز ۵ شنبه جوان ۲۵ ساله ای بنام حسین نوری بخاطر اعتراض به تیراندازی هوآئی پاسداران توسط یکی از پاسداران مزدور به رگبار بسته شد. در این گیرودار مردم سرسیدند، سه تن از آنها با چپ اندر و از جنگ مردم گریختند ۲۰ تن باقی مانده یعنی پاسداران قاتل و یک تن دیگر که نتوانسته بود فرار کند خودشان را به ماشین پلیس رسانده و بزور اسلحه از او خواستند که حرکت نکند.

رسانده و بزور اسلحه از او خواستند که حرکت نکند. در این اثنا، مردم ماشین را محاصره کرده و با سنگ و چوب شیشه های ماشین را خرد نمودند و مانع حرکت شدند. پاسدار قاتل با گشودن رگبار هوآئی موفق به فرار شد، ولی دیگری را مردم به قصد کشتن کتک زدند که به حالت بیوشی افتاد.

بعد از این واقعه مردمی که از اعمال ضد خلقی این مزدوران بخش آمده بودند، با خشم و غضب از پاسداران ضد خلقی یاد میکردند. از کشتار وحشیانه آنان در کردستان صحبت کرده و در عوض مبارزات خلق رزمنده کرد راستایش میکردند. آنان می گفتند: "خسرو شهر شد کردستان" "این جا را کردستان میکنیم"

و یا میگفتند: "بعد از این دیگر پاسدار کشی شروع میشود و هیچ پاسداری جرئت نمی کند که پایش را به اینجا بگذارد."

باید گفت بعد از گذشت یکروز از این ماجرا افراد بسیج چندان در انتظار مردم ظاهر نمی شدند و تاکنون، ۶۰/۱/۶ هیچ کس به "ستاد بسیج" رفت و آمدی نمی کند، و این ستاد به حالت تعطیل در آمده است.

۴- در تاریخ ۶ فروردین حدود ساعت ۱۱ شب پاسداران ضد خلقی حکومت جمهوری اسلامی به قصد دستگیری کسانی که در روز اول فروردین یکی از پاسداران را ضرب کرده بودند - یک یک محله ها را محاصره خویش در آورده و با استفاده از شیوه های ساواک به خانه های مردم هجوم بردند و با تهدید مانع خروج مردم از خانه هایشان شدند.

در این یورش وحشیانه مادر یکی از دستگیر شدگان شوکه شد. بطوریکه تا مدتی قدرت تکلمش را از دست داده بود. بطور کلی در این یورش ددمنشانه ۴ نفر دستگیر شدند.

۳-

جمعه ۲ فروردین حدود ساعت ۱۰ شب پاسداران ضد خلقی شهر را به کنترل خود در آورده و به منظور دستگیری افراد شناخته شده شروع به گشت زنی برداشتند و در حین گشت زحمت کشانی را که خسته از محاربه باز می گشتند به سؤال می کشیدند و آنها را تهدید میکردند که اگر شب بیرون بیایند به تلافی کتک زدن یکی از پاسداران دمار از روزگارشان در خواهند آورد.

آری، حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی که در مرگ خیزش مسلح خویش تحت رهبری بیرونتار با بیسان محتومش این چنین به اذیت و آزار رحمتکشان می-زندگی امیرالاسم و نما می سگهای زنجیریش را بردارد، باید بداند، دیرینه روزی که خلق با اعلام کنند.

=====

حکومت ضد خلقی جمهوری اسلامی به منظور رتخیم بایه های پوسیده خویش از حماق بدستان آریا مهری استفاده می کند.

عبدالحمید قزلی (معروف به حمید) آخوند رستای خیزی و ساواکی (نماینده کانون ۱۰۱۱ - گومیشان) دیروز حاکم شرع و عضو شورای اسلامی امروز است.

این فرد کثیف به همراه همبالیکی هایش از حمله غفور آخوند و انقلابی بخشی و حاشای خود فروخته دیگر هم اکنون در خدمت رژیم وابسته جمهوری اسلامی می باشند. این فرد به همراه دیگر شاه پرستان و طرفداران قانون اساسی شاهنشاهی تنها چند روز قبل از قسام ۲۲ به صف انقلابیون تظاهر کننده با حماق و جاقو حمله میکرد، اینک در رژیم جمهوری اسلامی بعنوان حاکم شرع دادگاه اسلامی گمش تپه و حومه، یکی از مسئولان جهاد سازندگی و عضو شورای اسلامی بوده و به همراه دیگر همکارانش به شکار فرزندان انقلابی خلق و ضرب و جعل مبارزین منطقه مشغول هستند.

سندبرگوبای این مسئله است که رژیم ضد خلقی از جهکسانی برای ایجاد خونریزی و خوفناک استفاده میکند:

((قسم نامه))

((در پیشگاه خداوند بزرگ و بنام نامی اعلی حضرت همایون محمد رحمتی آریا مهر شاهنشاهی ایران))
 من .. عبدالحمید قزلی .. که اصول جاودان نظام شاهنشاهی، قانون اساسی و انقلاب شاه را باور دارم در برابر ملت بزرگ ایران به کتاب مقدس آسمانی خود سوگند یاد میکنم که همواره در خدمت استواری پایه های شاهنشاهی دودمان پهلوی و قانون اساسی و اقتصاد جامعه و ملت ایران در رستاخیز ملت ایران با فضیلت و برهیزگاری کوشش و جهاد میکنم و در صورت لزوم جانم را فدا میکنم.
 (بازی دهد -))

عبدالحمید قزلی

نمایندگانه کانون ۱۰۱۱

((قسم نامه))

((در پیشگاه خداوند بزرگ و بنام نامی اعلی حضرت همایون محمد رضا پهلوی آریا مهر شاهنشاهی ایران))
 من .. عبدالحمید قزلی .. که اصول جاودان نظام شاهنشاهی، قانون اساسی و انقلاب شاه و ملت را باور دارم در برابر ملت بزرگ ایران به کتاب مقدس آسمانی خود سوگند یاد میکنم که همواره در استواری پایه های شاهنشاهی دودمان پهلوی و قانون اساسی و انتخاب شاه و ملت در حزب رستاخیز ملت ایران با فضیلت و برهیز - کاری کوشش و محاهدت کنم تا آنکه سزایان پاک مرا یاری دهد. ((

امضاء عبدالحمید قزلی

نمایندگانه کانون ۱۰۱۱ گومیشان

=====

۵ آذرشهر (۵۹/۱۲/۲۹)

که جزو دستگیرشدگان بود به سراننده ضربدای زدوبقیه به قصد خلع سلاح یا سدا ردیگر درگیر میشوند. در این هنگام ماشین به یک تیر برق اصابت نموده و بجهه ها زخمی میگردد که یکی از آنها با یک پاسدار به بیمارستان شهر برده می شوند ولی بیمارستان از پذیرفتن آنها امتناع میکند و آنها را به لاهیجان منتقل میکنند. مبارزین دیگر موفق به فرار میگردند.

۴- ۵۹/۱۲/۱۸ - هواداران نیروهای سیاسی جلوی ساختمان حیاد سازندگی جمع شده و دست بفروش نشریات خود زدند. مسئول "حیاد سازندگی" نیز شروع به گرفتن عکس از آنها کرد ولی مبارزین جلوی او را با پرتاب سنگ و چوب گرفتند. در این رابطه فالانژها برای کمک سر رسیده و صحنه درگیری یادادن شعار - هائی جون: "بهشتی جماعت را مرگت فرار سیده"، "مرگ بر جماعت دار"، "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، و پرتاب سنگ بسوی مزدوران ادا می یابد. در این بین یکی از افراد اکثریت که به حمایت از فالانژها وارد شده بود، مورد حمله نیروهای متری قرار گرفته و با شعار "مرگ بر سازشکار"، "سازشکار، ارتجاع بیوندتان مبارک" از مغوف انقلابیون رانده میشود. در ادا می سپاه پاسداران قداره کش نیز به کمک آمده و با تیراندازی شدیدی که منجر به تیر خوردن یک نفر و دستگیری ده تن شد، مردم را متفرق کردند. در پی این قضیه مردم بعنوان اعتراض منازعه های خود را بستند و از خارج خود را حاکمیت ضد خلقی را اعلام کردند. مزدوران کا رخود را با خانه گردی بد منظور دستگیری انقلابیون ادا می دادند و مردم نیز با برخوردهای لفظی با آنها مقابله نمودند.

=====

۵ آنگرود ۱:

۶۰/۱/۷ - عده زیادی از مردم که برای گرفتن نفت شبار در کنار پیت های خود بسر کرده بودند. پس از ساعت ها معطلی مسئولین شعبه به آنها اعلام کردند: حیره نفت عقب افتاده را نمی دهند و فقط بهرکس ۲۰ لیتر نفت داده خواهد شد. مردمی که شب تا سحر راه امید نفت سپری کرده بودند، بخشم آمده و هرکس به نحوی خشم و انحرار خود را نسبت به حاکمیت ابراز میداشت. مردی می گفت: من قهوه خانه دارم از سی نفتی ۵ روز است که دکاشم را باز نکرده ام قبل از ۵ روز با ذغال آتش روشن میکردم، زغال هم درکار نیست حالا من چکار کنم، گفتند که ۲۰ لیتر نفت بیشتر نمی دهیم. من ۱۲۰ لیتر نفت طلبکارم، ۲۰ لیتر برای من چه میکند خانواده

۱- در ساعت حدود ۱۰ شب، ۲ نفر پاسدار موتور سوار به کارگاه طرح ضربتی آذر شهر وارد شده و یک نفر را مورد بازجویی قرار میدهند و میگویند تو دور فیت دیگریت همکار ما را زیر گرفته اید. پس از جرو بحث پاسداران مراجعت میکنند و چند دقیقه بعد سه دستگاہا تو میسل (یک مینی بوس، ۲ عدد پیکان) پرا پاسدار وارد محوطه شده و شروع بد تیراندازی میکنند و از حاضرین در محوطه می خواهند بیرون بیایند. پس از تیراندازی مجدد پاسداران، افراد مذکور از محوطه خارج شده و پاسداران دو نفر را پس از مضروب کردن با خود میبرند. این دو نفر مجدداً "آزاد میشوند و در پی یافتن علت وحشی گری پاسداران به کمیته میروند ولی هنوز نتوانسته اند جواب قانع کننده ای بدست آورند.

(۶۰/۱/۱۶)

۲- در این روز تا کسیرانان به منظور اعتراض به حیره بنزین که از قرار روزی ۲۰ لیتر میباشد، دست از کار کشیده و به بخشداری مراجعه نمودند. در بخشداری با ۲۵ لیتر در روز موافقت شد ولی آنان خواستار ۳۰ لیتر در روز بودند. فردای آنروز نیز اعتماد ادا می یافت و نتیجه مانسند.

۶۰/۱/۱۹ - در جلسه ستاداء مین استان تصمیم گرفته شد که به کلبه تا کسیرانان استان روزانه مقدار ۳۰ لیتر بنزین داده شود.

=====

=====

۶۰/۱/۱۴ انزلی

در مورخه ۶۰/۱/۱۴، پاسداران حاکمیت امیر - یالستی در مدخل ورودی دهکده ساحلی مبادرت به با زرسی ماشینهای مردم نمودند، از اتومبیلی یک ماهی بعنوان " ماهی حرام و قاچاق " گرفته و تصمیم داشتند که راننده و صاحب ماهی را توقیف کنند که با عکس العمل مردم مواجه شدند، در این بین به زور اسلحه چند نفر توسط پاسداران ضد خلقی دستگیر شدند. همچنین یک نفر دیگر را هم بجرم نگهداری روغن ماشین در شیشه مشروب دستگیر کردند.

=====

=====

سیاهکل

۱- ۵۹/۱۲/۱۷ - پاسداران مزدور پس از رسیدن جلوی کتابفروشی محاهدین یک تیر هوائی به نشانه ابراز قدرت در می کنند و وارد کتابفروشی شده و سه نفر را دستگیر میکنند و یکی از هواداران را که به قهوه خانه رفته بود دستگیری نمایند. دستگیر شدگان در پشت و دو پاسدار نیز در جلوی ماشین میبشینند. دختری

مجلس یاسداران به کتابخانه عمومی مارتیک

تهران - پس از قیام ۲۲ بهمن کسانی که مخالفان داشناکیا (ارتجاعیون حاکم سرخالی ارمنی) بودند دست به تظاهرات یک تشکیلات جدید به نام " کانون فرهنگی ارمنی " زدند که مبارزه مجامعی را علیه داشناکیا ادامه میدهد. این کانون به مسایل صنفی - سیاسی توده ها رسیدگی کرده و در جهت خواسته های آنها گام برمی داشت و یکی از کارهای آن نیز جمع آوری کتابهای انقلابی ارمنی از گوشه و کنار بود که کتابخانه عمومی مارتیک را بنیانگذاری کردند.

در تاریخ ۵۹/۱۲/۶ تعدادی قداره بند (حدود ۴ - ۷ نفر) به بیانه واری کتابخانه وارد شده و پس از تاراج کتابهای کتابخانه و شکستن شیشه های آن ، لیست اسامی اعضاء کتابخانه را برداشته و صندوق کمکهای مالی را همراه نشریه ارمنی زبان " نور خوسک " بمعنی " حرف تازه " را پاره کرده و به رودخانه نزدیک محل کتابخانه ریختند و با تیراندازی هوایی سمی در ایجاد محیط ترس کردند و بالاخره سه تن از مسئولان کتابخانه را نیز دستگیر کرده و همراه بردند. این عمل پاسداران مزدور خشم و نفرت توده های زحمتکش ارمنی را برانگیخت بطوریکه تصمیم به کمک مجدد برای احیاء کتابخانه گرفتند. متأسفانه جریانات انحرافی از جمله اکثریت در کانون نفوذ کرده و آن را تحت تأثیر خود قرار داده و به سازش با حاکمیت گشاده است و شاهد این قضیه یک اطلاعیه از جانب کانون مبنی بر درخواست کمک از خمینی برای رسیدگی به امور کتابخانه و ... میباشد.

من چه بخورند، از کجا پول دربیاورم . این فقط یک گوشه ناچیز از زندگی مردم و ظنمان است ، که باید در صف های طویل بایستند و زیر بار گرانی ، بیکاری و فقر کمربان خم شود ، تا حاکمیت ضد خلقی بیشترین هزینه ها را برای تقویت ابزار های سرکوب خویش بکار برد و سرمایه داران وابسته جیب های خود را از غارت دسترنج زحمتکشان بپرکنند .

۴ - به دنبال بسته شدن در نفت فروشی اعتراض مردمی که برای گرفتن نفت آمده بودند بلند شد . یکی از یاسداران مزدور گفت : " اینها صحنه سازی است یک عده میخواهند از این صحنه استفاده سیاسی کرده و لنگرود را مانند لاهیجان درست کنند . " فردی از داخل جمعیت فریاد زد :

" فاجعه لاهیجان کار خودتان هست " و در این هنگام بهمن مردم و پاسداران درگیری رخ داد مردم یک پاسدار را محکم به کسرکوه مغازه نفت کوبیدند و به قصد دست یافتن به نفت کسرکوه را پاره کردند اما موفق نشده و پس از مدتی بحث و جدل با پاسداران از مهلکه گریختند .

۳ - در این روز تراکته از طرف پاسداران چریکهای فدائی خلق ایران در چهار راه علی آباد نصب شد . هنگام غروب ارادل و او باش به قصد پاره کردن تراکت سر رسیدند . رفقا جلوی آنها را گرفته و به بحث پرداختند . در این موقع کارگرانی که از کار برمی گشتند به پشتیبانی از رفقا وارد بحث شدند مزدوران که از این حمایت به خشم آمده بودند ، کوشیدند با وارد آوردن اتهام به کارگران آنها را

بی طرف نگه دارند . و گفتند مکتب ما دستور داده تراکت ها را پاره کنیم رفقا خود تراکت را از دیوار کنده و شروع به خواندن آن برای کارگران نمودند که با حمله یکی از ارادل تراکت پاره شد . پس از آن جمعیت با دادن شعار علیه رژیم و عمالش متفرق شدند .

مبارزه و مقاومت توده ها در محلات و معادن
این محلات باد یلر محلات شهر علیه رژیم
وابسته جمهوری اسلامی باند های سیاه سرکوب
ما این موضع تلجیحی نخواهد داشت .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - قائم شهر

۵. ریشته "مجمع آموزشی طالبانی"

۶۰/۱/۱۷ - در این روز حدود ۲۵۰ نفر شامل دانش آموزان کلامهای چهارم بازرگانی و حسابداری در اعتراض به درس تحمیلی تعلیمات دینی از دادن امتحان خودداری کرده و جلسه را ترک گفتند و مصمم شدند که بعد از این هرجه را که غیر ضروری تشخیص دادند زیر بار نرفته و اعتراض کنند.



سیاست کلی دبیرستان مشیر

۶۰/۱/۱۷ - در حدود ۸۰ تن از دانش آموزان سال



چهارم نظری برای اعتراض به تصمیم آموزش و پرورش منطقه مسنی بر امتحان ورودی قبل از راه یابی به جلسه، دست به یک راهپیمایی به طرف اداره آموزش و پرورش زدند و در آنجا تحصن کردند که با فحش و سازای رئیس آموزش و پرورش روبرو شدند ولی دانش آموزان از خواسته های خود دست برنداشتند و شعار دادند: " امتحان ورودی - منحل باید گردد"، " توهین به دانش آموز افشاء باید گردد "

فعلا" از دنبال قضیه اطلاعی در دست نداریم .

جنبش دانش آموزی ۱۹ بهمن - مشهد، هوادار چریکهای فدائی خلق ایران اعلامیه ای تحت عنوان " یسور به دانشگاه، ارتجاع را رسواتر ساعت " در تاریخ ۶۰/۱/۲۷، انتشار داده اند. قسمتهائی از اعلامیه را میخوانیم :

"..... دانشگاه به عنوان مرکز اشاعه آگاهی و محلی که توده ها بعد از جریان قیام بیش از هر محلی به آن روی آورده بودند برای رژیم قابل تحمل نبود و می بایست که در آنرا مپروموم میکردند، چنین امری از سوی جمهوری اسلامی وابسته با میریالیسم کاملاً طبیعی بود چرا که افشاءگری مداوم نیروهای انقلابی باعث میشد تا توهن توده ها روز بروز نسبت به رژیم و خصوصاً " جنایاتش در کردستان بیشتر دریده شود و توده ها آگاهی بیشتری کسب کنند و رژیم که دشمن آگاهی زحمتکشان است بر طبق ماهیت ضد خلقی اش باید که چنین مباد .

"..... هدف رژیم از تمامی این اعمال تحکیم سیستم سرمایه داری وابسته و بسط سلطه امپریالیسم است. اما با این همه سردمداران رژیم ضد خلقی هرگز قادر نخواهند بود که به امیال پلید خود دست یابند.....

رفقای دانش آموز و دانش آموزان انقلابی !

بکوشیم تا در شرایط حساس کنونی مدارس را به سنگری علیه سیاستهای ضد خلقی رژیم تبدیل کنیم و با افشاءگری همه جانبه صفوف خود را از سازشکاران پاک نمائیم . متحد و پرتوان در یاری رساندن به جنبش انقلابی گامیای عملی برداریم تا بدین وسیله رسالت انقلابی خود را در بگور سپردن امپریالیسم و گهای زنجیرش به سرانجام رسانیم .



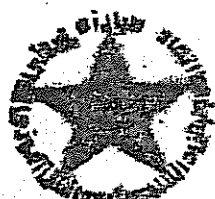
هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - مشهد، بمناسبت سالگرد وقایع دانشگاه اعلامیه ای را تحت عنوان " گرامی باد خاطره شهیدای وقایع دانشگاه " در تاریخ ۶۰/۱/۲۸، انتشار داده اند. قسمتهائی از اعلامیه را میخوانیم :

"..... رژیم جمهوری اسلامی با یخاک و خون کشیدن دانشگاهها و قتل عام و ترور این فرزندان انقلاب بی و آگاه خلق صفحه سنگین دیگری بر کارنامه حکومتی خود افزود و ماهیت ارتجاعی خود را هرجه روشنتر بنمایش گذاشت.....

رژیم جمهوری اسلامی که تاء شیر دانشگاهها را بعنوان یکی از اصلی ترین مراکز تجمع روشنفکران انقلابی، مرکز اشاعه آگاهی و افشاکری عملکردهای ضد خلقی حاکمیت و هدایت مبارزه انقلابی خلقهای ایران بدرستی دریافت بود، در صدد برآمد تا با یخاک و خون کشیدن دانشگاهها و بستن درهای آن (هر چند به مدت محدود)، بین جنبش دانشجویی و جنبش انقلابی خلقهای ایران سدی ایجاد نماید. رژیم از قبل بفکر بستن در دانشگاه می افتد و می بینیم در همان اوایل با افشاکری که در مورد دکتر حسن آبت شتورسین

حزب جمهوری اسلامی و این مهره سرسپرده به امپریالیسم شد. در آنجا این مهره کثیف بروشنی نویسد بسته شدن در دانشگاهها را می دهد و چنین میگوید: " به بچه ها بگوئید (منظور دانشجویان انجمن اسلام می که در تبریز دانشگاه را در اشغال خود دارند) قرص و محکم باشند. بزودی موج عوض میشود. به بچه ها بگوئید که قرص و محکم باشند و ترس نداشته باشند. تصمیمی گرفته شده است، تغییرناپذیر است. دانشگاهها بعد از ۱۴ خرداد تعطیل میشود و بعداً برنامه ای خواهیم داشت " و با درجای دیگری به مخاطب میگوید: " مطمئن باشید که نقشه آماده است و اصلاً زیرو رو میشود. تمام مسائل و غیر از مسائلی که شما فکر میکنید میشود. از ۱۴ خرداد مطلقاً نه امتحانی خواهد شد، نه دانشگاهی باز خواهد بود. دانشگاه تعطیل خواهد شد. " این نقشه ها و این حیلها نشان دهنده آن است که رژیم وابسته با امپریالیسم جمهوری اسلامی از قبل ب فکر طرح نقشه عوامفریبانه با اصطلاح انقلاب فرهنگی و بستن در دانشگاهها افتاده بود. بیجهت نبود که بنی صدر مکار بعد از با اصطلاح تسخیر دانشگاه سرنگرفش خونین آن رجز خوانی نموده و سخن از قاطعیت و ولادت حاکمیت دولت بمیان آورد و یا خمینی " خطر " دانشگاه را بالاتر از خطر بمبب خوشه ای قلمداد نمود. آری آگاهی توده ها و اعتلا جنبشهای انقلابی همواره برای حاکمین ضد خلقی خطری جدی بشمار میرود. ولی حاکمین وقت این نکته را در نیافته اند که گردش جریخهای تاریخ همواره بسود زحمتکشان است. ما دیدیم که چگونه حمله بدانشگاه و سرکوب و ترور دانشجویان و استادان انقلابی خود به عاملی در جهت روشنگری هرچه بیشتر ذهن توده ها و افشاء ماهیت ضد خلقی هئیت حاکمه تبدیل گشت. دیدیم که چگونه آنهايي که در مقابل حمله اوياشان و قداره بندگان و پاسداران امپریالیسم پاپس میکشیدند و مودیان در جهت درهم شکستن صفوف متحد دانشجویان عمل مینمودند و ندا در میدادند که " ارتجاع را نباید تحریک کرد " اکنون در آغوش حزب توده خائن آرمیده اند و به آستانبوسی درگاه حاکمیت مشغولند. توده های زحمتکش میهنمان نیز خود این وقایع را دیدند و ماهیت حاکمین ضد خلقی و سازشکاران یا ور او را بهتر شناختند. تحلیل باشکوه مردم مبارز مشهد از تشییع جنازه مجاهد و دانشجوی شهید شکور مشکین فام خود نمونه روشنی از رشد آگاهی توده ها و نفرت عمیقشان نسبت به رژیم و شناخت دوستان و دشمنانش میباشد.

امروز ما شاهد آنیم که دارودسته بنی صدر و شرکاء بخاطر رقابت در جنگ قدرت و تصفیه حساب با جناح رقیب یعنی حزب جمهوری اسلامی، ماسک آزادیخواهی و دفاع از بازگشایی دانشگاه برچهره زده و در صدد فریب و تحمیق توده ها عمل مینمایند. ولی آنچه معلوم است اختلاف اینان بر سر تسخیر قدرت سیاسی است. رژیم جمهوری اسلامی در نهایت مجبور بود بخاطر افشاگری نیروهای مترقی و رشد فکری توده ها و اعتلا جنبش انقلابی، وعده بازگشایی دانشگاه را بدهد. رژیم با شروطیکه در نظر گرفته، در صورت بازگشایی دانشگاه، یقیناً " تصفیه دانشجویان و استادان انقلابی را در سرلوحه برنامه خود قرار خواهد داد. رژیم میخواهد در دانشگاه محیطی را بوجود آورد که دانشجویان از هرگونه فعالیت سیاسی بدور بوده و در صدد رفع نیازهای سیستم سرمایه داری وابسته عمل نماید. ولی زهی خیال باطل! چرا که اگر رژیم شاه توانست از دانشگاه و جنبش دانشجویی، که رهبران جنبش انقلابی را در درون خود پرورده است، چنین محیط مسخ شده و " بی خطر " و دانشجویانی " مطیع " بسازد، رژیم جمهوری اسلامی نیز خواهد توانست



دانشجویان و دانش آموزان مبارز!
با پیوستن به جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۳۵۹، صفوف دانشجویان و دانش آموزان
مبارز میهنمان را هرچه مستحکمتر سازید.

اواخر فروردین و اوایل اردیبهشت ۵۹ یادآور
روزهایی است که به ستوردار و دسته‌بندی‌های
و حزب جمهوری اسلامی عوامل چپ‌افندست و
مسئله‌چپ‌هایشان، دانشگاه این سنگ‌ر همیشه
خروشان آزادی را بخاک و خون کشیدند.

مرگ بر سرکوبگران خلق!

۱۳۶۰/۶/۱۸

هواداران حریکهای فدائی خلق ایران - منتشر

۱۰:۰۰



تذکرات ۶۰/۱/۳

عو مردم مواجه گشته و بیش از پیش رسوا گشتند.
فالانها که حورا به ضرر خود یافتند از خرم آباد و
اطراف آن تعدادی قلدر جمع آوری نموده و سه میان
نیروهای سیاسی انداختند، البته نیروهای مسارر
نیز با فحش و ناسزا این خود فروختگان را بی جواب
نگذاشته و کتک مفصلی به آنان زدند و بالاخره مزد
وران را مجبور به ترک نمودند و جواکم تاپاسی از
شبه در دست نیروهای مفرقی بود و از آن سخوی در
حیت افتاء این اوباشان استفاده نمودند.

در پی اجتماع هواداران نیروهای سیاسی تعداد
دی از ارادل و اوباش معروف شهر از جمله مریدی ،
بهزادی و طالبیان جهت برهم زدن اجتماع به گروهی
بورش برده و دست به پاره کردن اعلامیه ها و دیوار
کوبی زدند و بالاخره قضیه را طوری وانمود کردند
که گویا یکی افرادشان کتک خورده است . سپس به
حاکم شر حناب نصرتی سعی نمودند جنین حلوه دهند
که ایشان برای بحث و تبادل نظر آمده اند اما با



مجاور محله قائم شهر نشان داد، هرچه
منفوف توده های پیاپی و فشرده تر باشد، پاسب
- امان ضد خلق کار آتی شکست مقاومت
توده ها را از دست میدهند.

هواداران حریکهای فدائی خلق ایران - قائم شهر

تمحیح یک اشتباه

در خبرنامه شماره ۵۳
خبری از دبیرستان فاطمه
امینی درج شده بود که
نام رئیس آموزش و پرو-
ش تبریز اشتباهاً
رفعتی ذکر شده و درست
آن رفقی است که بدین-
وسيله تمحیح میگردد.

جلاد خون میریزد خلق پیام میبخیزد

مردم آگاه و مبارز مازندران!

یادگیر رژیم وابسته امپریالیسم جمهوری اسلامی دیوانه وار سرکوب صفوف پر شور مبارزان را شدت بخشیده است. اکنون پاسداران ضد خلقی و اوباشان خود فروخته یورش خود را به شهرهای مازندران آغاز کرده اند. قائم شهر، آمل و بابل بار دیگر عرصه هجوم رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب مبارزات حق طلبانه مردم و نیروهای انقلابی و همچنین عرصه مقاومت انقلابی مردم و نیروهای حامی آنان گشته است. این سرکوب و کشتار در قائم شهر تاکنون ۵ شهید و بیش از صد نفر زخمی بجای گذاشته است.

پس از چند روز درگیری پراکنده در قائم شهر در اول اردیبهشت ماه فرماندار این شهر برای فریب مردم از سازمانهای سیاسی خواست تا با اصطلاح برای "پایان دادن به درگیریها" با او وارد مذاکره شوند. اما پس از آنکه بجز جریان خائن "اکثریت" نیرویی را پشت میز سازش ندید از انجمنهای اسلامی محلات یا همان چماقداران و اوباشان خواست تا به "وظیفه مکتبی" خود عمل کنند و بساط گروهها را برچینند. آنگاه یورش آغاز شد. خود فروختگان با حمایت و شرکت فعال سپاه پاسداران وارد عرصه عمل گردیدند. پاسداران ضد خلقی ۳ نو جوان دختر را به رگبار بستند و به شهادت رساندند. در صف مقابل نیز مقاومت مردم و نیروهای انقلابی شکل گرفت. "مجاور مرحله" به عرصه نبرد خونین بین خلق و ضد خلق بدل شد. فضای قائم شهر آکنده از خشم و نفرت نسبت به رژیم ضد خلقی گردید. صبح بعد در حالیکه "مجاور مرحله" همچنان به مقاومت خود ادامه میداد، حدود ۱۰ هزار نفر از مردم مبارز قائم شهر در مراسم تشییع جنازه شهدای خود شرکت کردند. اما مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که تجمع مردم بوضوح آبرویی برای آنان باقی نگذاشته بود به مردم حمله بردند و جنازه های شهدا را سنگباران کردند. مردم نیز به مقاومت خود ادامه دادند و در حین تشییع جنازه به سه ساختمانهای فرمانداری، مرکز تبلیغات اسلامی، دفتر فدائیان اسلام و... حمله کردند. آنها سرانجام شهدای خود را به خاک سپردند تا خون آنان درخت انقلاب را هر چه بیشتر آبیاری کند.

مجاور مرحله همچنان مقاومت میکرد و هم اکنون نیز کانون مبارزات چند روزه مردم قائم شهر میباشد. همه زن و مرد، پیر و جوان، کودک و نوجوان، گوشه ای از بار مقاومت را بدوش میکشند. تا امپریالیسم و سگهای زنجیرش را در دریای مقاومت خود به نایبوی کشند. درهای تمامی خانه های محله بر روی نیروی مقاومت است. لاستیکهای سوزان و تلاش یکبارجه مردم در سازمان دادن نیروی مقاومت، چهره های خسته و گرد گرفته اما مصمم آنها هر بیننده ای را به یاد روزهای قیام می اندازد. آنها که با تجربه ترند، نیروها را سازمان می دهند، گروهی به رساندن غذا به مبارزان صفا اول درگیری مشغولند، گروهی زخمیان را در خانه ها مداوا میکنند و دیگران تدارک می بینند، کودکان و نوجوانانی که نمی توانند مستقیماً "در درگیریها شرکت کنند به جمع آوری سنگ که توده ها بر علیه پاندهای سرکوب بکار می گیرند، مشغولند و همه با کمک یکدیگر مقاومت مردم را سازمان میدهند.

وحشیگریهای پاسداران روی ارتش شاهنشاهی را نیز سفید کرده است. آنها در حملات خود به "مجاور مرحله" بی پروا شلیک میکردند، دیگر فرقی نمیکرد که چه کسی هدف گلوله قرار گیرد، زن، مرد، کودک و یا درودیدوار محله. اما همه این وحشیگریها از بستن محله و قطع آب و برق سهمیه مواد سوختی نتوانست و نمی تواند عزم آهنین مردم به مقاومت را بشکند.

همزمان با یورش به قائم شهر، شهرهای آمل و بابل نیز صحنه درگیریهای شدید بین مزدوران حکومتی و نیروهای انقلابی بوده و هست.

از این مقاومت جدی توان آموخت:

صحنه های مقاومت مردم در آتش و خون، اسلحه ها و سنگهای مقاومت، همراهی و همدوشی پر شور مردم مبارز با نیروهای انقلابی و همچنین تهاجم مسلحانه و سرکوب خونبار رژیم ضد خلقی، تکیه اساسی به ارگانهای سرکوب و برکبار بستن توده های مردم همه و همه یک نکته را به روشنی نشان میدهد:

برای اینکه مبارزات خلقهای ما ادامه کاری داشته باشد و راه بسوی آزادی بگشاید و خود حاکم بر سر نوشت خویش باشند، تنها راه درست، مبارزه مسلحانه طولانیست. تنها در پرتو این مبارزه و تشکل توده ها در یک سازمان سیاسی - نظامیست که راه بسوی رهایی از اسارت امپریالیسم و سگهای زنجیرش می برد. این درس اساسی تمام انقلابهای رهاشی بخش و تجربات انقلابی خلقهای ماست که بار دیگر به اثبات

می رسد، این درسی است که هر انقلابی صادق که واقعا "سدرهاشی خلق خودمی اندیشد، باید آویزه گویی خودسازد. مردم مبارز مازندران!

حکومت وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی از استبداد روی کار آمدنش جز حفظ منافع امپریالیستها کار دیگری انجام نداده است. امروز که سازش آگاهی و اوجگیری مبارزات شما ما هست رژیم آشکار شده حکام وقت برای حفظ حاکمیت سنگین خود، جاده ای سرکوب دارند. "آبشاروبای" دوره تبات و امنیت و حکومت قانون "را در سری پرور" شدند تا هر چه بیشتر خدمتگرایی خود را به آریاها خودتایت کنند و برای اثبات این خدمتگرایی قبل از همه باید آگاهتر پس نیروهای خلق را سرکوب کنند، یعنی همانجایی را که با نام "فدائی" و "منافق" به زیر گنار مگیرند. سرکوب نیروهای انقلابی و مبارز جدا از سرکوب مبارزات شما و خواسته های برحقشان نیست. با حمایت فعال از این نیروها مبارزات خود را تداوم بخشیده و امپریالیسم و مزدورانش را در تحقق خواسته هایشان ناکام گذارند.

هواداران روزمنده : نیروهای انقلابی!

مازندران سوی خون میدهد. رژیم میگوید تا با سرکوب و وسیع نیروهای مردمی حاکمیت امپریالیسم را هر چه بیشتر تحکیم بخشد. هر گام عقب نشینی ما بمعنی تسلیم عرصه ای از مبارزه به رژیم وابسته به امپریالیسم است. مردم شجاع مازندران نشان دادند که دیگر مرتب حاکمیت را نمیخورند و مادگی مبارزه با او را دارند. با سازمان دادن مقاومت مردمی، در کنار مردم و در پیکار با یورش رژیم زاده هم. کوسیم - صفوف خود را در مبارزه متحد کنیم - سازشکاران را طرد و جنبش انقلابی خلق خود را هر چه بیشتر توان تربیه پیروزی هدایت کنیم.

درود به شهیدای بی چون و چندان
سرو و سار و رات صوفیای جنبشهای ایران
ریده مانده و زده منجانبه کشته را و رسیدن به آرزای
مرگ برای امپریالیسم و کبیای رنجور
السلامان به نیروی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران
۱۳۶۰/۲/۳

تنهایی یک خلق مسلح می تواند آزاد زندگی کند

تنهایی بار و حیه تنها جمعی و تعرض می
می توان علیه بیدادگریهای رژیم به
مبارزه پرداخت و سرکوب آنرا خنثی
نمود، این را مجاور محله قائم شهر
به خوبی نشان داده است.

ش ۲۱ چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران - ۱۳۶۰/۲/۳

درباره جنبش اول ماه مه

برای کارگران جوامع تحت سلطه امپریالیسم معنی و مفهوم واقعی خود را بتدریج بازمی یابد. از همان ابتدای سراسری شدن جنبش ماه مه، و قبول روز اول ماه مه بعنوان "روز جهانی طبقه کارگر" بورژوازی و انواع رنگارنگ اپورتونیستها کوشیدند تا این روز را از محتوای واقعی و طبقاتی آن تهی سازند. روز اول ماه مه، روز قدرت تمامی طبقه کارگر رزمجواست. روز نشان دادن عزم و اراده انقلابی کارگر - آن برای بیکاری شکست ناپذیر است. این حقایق سرمایه داران را شکنجه میداد. آنها پس از مقاومت طولانی خود برای از بین بردن این روز بعنوان "روز جهانی طبقه کارگر" و قبول شکست خود، کوشیدند تا با استفاده از همه طرق ممکن این روز را به روز استراحت و تفریح تبدیل نمایند. آنها میخواستند محتوای طبقاتی جشن و شادی کارگران را از آن بدزدند. کارگران در اول ماه مه، به چه منظور جشن میگیرند و شادی میکنند؟ همانطور که دیدیم نماینده کارگران آمریکا در کنگره انترناسیونال دوم این مسئله را خیلی ساده و روشن تشریح کرد. کارگران با نظریات رفتاری خود در مبارزه علیه سرمایه داری حتی سگرسند و شادی میکنند. این جشن و شادی حاوی ختم و کینه خاسوز کارگران علیه سرمایه داران و نظام سرمایه داری است. سرمایه داران کوشش میکردند و میکنند تا با مستور نگا داشتن حقایق نهفته در جنبش اول ماه مه خود را از لیب آتش خشم و نفرت کارگران در امان نگاهدارند.

در این کوشش بورژوازی اپورتونیستهای رنگارنگ و خائن به منافع طبقه کارگر نیز سببمند. اپورتونیستها نیز کوشش میکنند تا بر ندگی ظاهر روز اول ماه مه را کند کنند، و آنرا حداکثر تا حدیک جنبش صفتی کارگران تنزل دهند، آنها نیز کوشش میکنند تا حقایق را از چشم کارگران پنهان نگاهدارند تا اراده منسبه گرفتن خشم طبقاتی، نیرو گرفتن عزم و اراده انقلابی و گسترش آگاهی افلاکی آنها ضوگرسد.

پس واجب است که درسهای آموزنده و محتوای واقعی جنبش اول ماه مه برای کارگران تشریح شود. در شرایط میهن ما که اپورتونیستها از هیچ کوششی برای خدمت به نوکران امپریالیسم دریغ نمی - ورزند، ضرورت این امر صدبار بیشتر است. آگاهی بر جنبه های گوناگون جنبش اول ماه مه از جانب طبقه کارگر بمعنای آگاهی به نیروی قدرتمند و برازنده طبقه خویش است و درست همین نکته اساسی است که کارگران مایبید بیاموزند تا بتوانند یک "اول ماه مه" واقعی برگزار کنند. برگزاری اول ماه مه باید تبلوری از آگاهی، سازمان یافتگی و اراده خلل ناپذیر کارگران باشد. کمونیستهای واقعی وظیفه دارند در مقابل این گرایش کثیف توده ایهای خائن و همبالگی هایشان که میخواهند روز اول ماه مه را همطراز دیگر روزهای تعطیل جلوه دهند و آنرا به فرصتی برای حمام گرفتن، تفریح رفتن، ویا حتی لاابالگیری تبدیل کنند، شدیداً "مبارزه نمایند".

در شرایط کنونی خاطره اول ماه مه، برای کارگران ما خاطره ای بسزنده است. اگر کارگساران برخی از کشورهای جهان به پشتوانه مبارزه تاریخی طبقه خود اکنون از برخی حقوق اولیه اجتماعی بر - خوردارند، کارگران میهن ما همچنان در بدترین شرایط ممکن بسر میبرند. دولت ضد خلقی وابسته بامپری - یالیسم جمهوری اسلامی همه نوع فشارها را بر آنها وارد میسازد. قوانین کار، درست بر علیه کارگران تنظیم شده اند. کارگران آزادی بیان، آزادی قلم محرومند. سردمداران حکومت جمهوری اسلامی بر تمام وعده و وعیدهای خود پا گذاشتند. کارگران قهرمان شرکت نفت که مبارزه ای دلآورانه بر علیه امپریا - لیسم ورژیم مزدور شاه انجام دادند و در گسترش مبارزه مردم ما بر علیه امپریالیسم ورژیم مزدور آن سهمی عظیم داشتند، بخواسته خود مبنی بر حضور دوتن ارتمایبنده کارگران در شورای انقلاب نرسیدند.

فردای روز سرکار آمدن حکام جدید، هرگونه اعتراض و مبارزه کارگران تحت نام ضد انقلاب سرکوب شد. کارگران مبارز ما از پای نشستند و همچنان به مبارزه خود برای تاءمین شرایط بهتر کار و بعضی خواستهای سیاسی ادامه دادند. رژیم جمهوری اسلامی، همچون سرمایه داران حلاله آمریکا کارگران را بارهای بار به گلوله بست. در همین اواخر پاسداران در کارخانه کفش ملی کارگران راه گلوله بستند و باعث مرگ چندین نفر شدند. رژیم جمهوری اسلامی همچون سرمایه داران حلاله آمریکا رهبران آگاه و فعال کارگران راه سهاه "کمونیست" بودن به زندان میافکنند، از کارخانه اخراج میکنند و یا اینکه ترور میکنند. عناصر معترض به رژیم را تحت عنوان "ضد انقلاب" از کارخانه، ویا دیسگر محیط های کارگری بیرون میکنند. رژیم جمهوری اسلامی همچون سرمایه داران حلاله آمریکائی که کار -

گران شیگاو را با دسته چاقو داران و ششول بندهای خود میترسانند، درکارخانه توسط عناصر محدود و خود فروخته‌ای که اسم های گوناگونی از قبیل " انجمن اسلامی " و روی خود میگذارند کار- گران را زیر کنترل میگیرند و مانع ایجاد رابطه‌های فساد مابین آنها میگردند. رژیم جمهوری اسلامی نیز برای ایجاد جوخفقان و ترس به ایجاد نیروی ویژه درکارخانه هاست گماشت. رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند سرمایه‌داران جلاد امریکائی بطرق گوناگون از مزدکم کارگران که حتی با حداقل هزینه زندگی برابر نیست، به بیانه‌های مختلف می‌رباید. سود ویژه را - که در حقیقت جزئی از دستمزد کارگران بود قطع میکند. رژیم جمهوری اسلامی نیز همچون سرمایه‌داران جلاد امریکائی با تمام قوا بر علیه تشکیلهای واقعی کارگری مبارزه میکند. و اجازه نمیدهد تا کارگران تشکیلات واقعی بوجود آورند. رژیم جمهوری اسلامی با تمام توان خود کوشید تا شوراهای کارگری را به تورا‌های فرمایشی تبدیل کند و از نفوذ نمایندگان واقعی کارگران بدرون آنها جلوگیری کند.

همه این حقایق نشان میدهند پس از گذشت قریب به یک قرن از جنبش اول ماه مه، تاجه اندازه کارگران مادچار همان مسائلی هستند که کارگران شیگاو در ۱۸۸۶، و نشان میدهد که تاجه اندازه روشیای سرمایه‌داران خونخوار در مبارزه بر علیه طبقه کارگر در نقاط مختلف جهان با یکدیگر شباهت دارد.

اما سرمایه‌داران رژیم جمهوری اسلامی این سخن پارسونز رهبر اعدام شده جنبش اول ماه مه را باید آویزه گوش خود کنند.

" سرانجام این شما موشها هستید که نفقه میثوید،
طبقه کارگر - - - - - بیروز است "

www.iran-archival.com

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر

www.iran-archival.com

رفقای هوادار:

با انتخاب مطالبی از اعلامیه‌ها، خبرنامه، جزوات و کتب جریکهای فدائی خلق ایران به بازتکثیر، تهیه تراکت، دیوارکوب (اوزالبدیاد رشت نویسی)، شعارنویسی (روی دیوار با پارچه‌ای) و بپردازید.
رفقا: برای انجام این وظیفه مبارزاتی موارد زیر را در نظر داشته باشید: شرایط خاص محلی، وضعیت محیط فعالیتی، روانشناسی توده‌ها، مسائل مورد نظر و مسائل سیاسی مطرح شده در سطح جامعه.

رفقای مسئول توزیع خبرنامه

بجای خبرنامه ۳۰ ریال است، ولی برای توزیع آن در بین زحمتکشان پولی دریافت نکنید.

گرامی باد روز جهانی کارگر



پیش بسوی تشکیل هسته های مسلح کارگری

: حزبکمیای فدائی خلق ایران

1. MAI

Proletarier aller Länder
vereinigt euch!

کمیته ریسورداشیون ایرانی عوامدو چریک های فدائی خلق ایران